

# بررسی شوک های قیمتی نفت و اثرات آن بر اقتصاد جهان

حسین صبوری

(کارشناس ارشد سرمایه گذاری و سرپرست معاملات آتی)

تعریف مسئله و اهداف مطالعه:

بررسی تاریخ ۱۰۰ ساله اخیر بازار نفت و بخصوص تحولات این بازار از دهه ۱۹۶۰ به این سو، نشان می دهد که قیمت نفت این توانایی را داشته است که اقتصاد جهان را تحت تاثیر قرار دهد و خاورمیانه جایی است که بیشترین سهم را در این تحولات داشته، دارد و خواهد داشت.

تحریم نفتی غرب توسط اعراب در سال ۱۹۷۳، انقلاب اسلامی ایران در ۷۹-۱۹۷۸ و حمله صدام حسین به کویت در سال ۱۹۹۰ همه یادآور این موضوع هستند که چگونه تلفیق مسائل ژئوپلیتیکی و زمین شناسی می تواند اوضاع فضای کسب و کار جهان را به سرعت تغییر دهد .

اکنون اما پرسشی که مطرح است این است که در شرایطی که تظاهرات، سرتاسر جهان عرب را دربرگرفته است آیا دنیا در آستانه یک شوک نفتی دیگر قرار گرفته است؟ پرسش بعدی و مهم تر اینست که اثرات شوک نفتی بعدی بر اقتصاد جهان به چه صورت خواهد بود و واکنش بازارهای مختلف و شاخص های کلان اقتصادهای بزرگ جهان نسبت به چه صورت خواهد بود؟

این نوشتار بدنبال بررسی تاریخی شوک های نفتی در جهان در طول ۵۰ سال گذشته و تبعات هر یک از این شوک ها بر محیط کسب و کار بین الملل می باشد. بر این اساس در گام نخست

تلاش خواهد شد پس از ارائه مقدمه ای کوتاه، به بررسی تاریخی شوک های نفتی در طول ۵۰ سال گذشته پردازیم و سپس از این بررسی به عنوان مبنایی جهت پیش بینی تحولات احتمالی در بازار نفت و اثرات آن بر بازارها و اقتصادهای مختلف جهان استفاده شود.

مقدمه:

مهم ترین مسئله اینست: " شوک های قیمتی نفت اثر تورم رکودی بر اقتصاد کشورهای واردکننده نفت دارد: این شوک ها می تواند منجر به کاهش نرخ رشد اقتصادی و در کنار آن افزایش نرخ تورم در این کشورها شود".

اما بایستی توجه داشت که نوع و میزان اثر شوک های قیمتی نفت بر اقتصاد کشورها بستگی به فاکتورهایی از قبیل موارد ذیل دارد:

(۱) - اندازه شوک، هم بر اساس قیمت های واقعی جدید نفت و هم بر اساس درصد افزایش در قیمتها.

(۲) - میزان پایداری شوک؛ میزان پایداری و تداوم یک شوک قیمتی به عوامل زیادی از جمله عوامل اقتصادی و سیاسی بستگی دارد. همچنان که شوک قیمتی کنونی در بازار نفت هم منعکس کننده عامل اقتصادی افزایش تقاضای کشورهای آسیایی (در سال ۲۰۰۴ بیش از ۴۰٪ افزایش در تقاضای نفت از جانب کشور چین بوده است) و هم انعکاسی از ریسک و مخاطرات ژئوپولوتیک اخیر در منطقه خاورمیانه می باشد.

(۳) - میزان وابستگی اقتصاد به انرژی و نفت؛ به عنوان نمونه، شدت مصرف انرژی در اقتصاد آمریکا در حال حاضر در مقایسه با دهه ۱۹۷۰ بسیار کاهش یافته است. اما این کشور مصرف بیشتری دارد و این در حالیست که تولید داخلی نفت در این کشور نسبت به واردات نفت نیز کمتر شده و شکاف آن دو افزایش یافته است. نسبت خالص واردات نفت در این کشور به

تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۳ معادل ۱.۲٪ بوده است که این میزان نسبت به رقم ۹٪ در سال ۱۹۷۰ نشان از افزایشی ۳۳ درصدی دارد.

(۴) - واکنش های سیاستی متولیان مالی و پولی در کشورها

تکانه های قیمتی نفت حداقل در ۳۰ سال گذشته در چندین بحران جهانی نقش داشته است . با وجودی که بخشی از بحران بوجود آمده در سال ۲۰۰۸ جهان ب افزایش قیمت نفت در دوره ۲۰۰۳-۲۰۰۸ نسبت داده می شود، اما همه افزایش های ایجاد شده در قیمت نفت نیز منجر به رکود و بحران اقتصادی در جهان نشده است . نمونه های از جمله نمونه جنگ عراق و اشغال عراق توسط آمریکاییان وجود دارد که با توجه به افزایش قیمت نفت در آن دو ره، ما شاهد رکودی در اقتصاد جهان نبودیم.

با این حال، دلایل متعددی برای نگرانی در رابطه با این موضوع وجود دارد که تکانه قیمتی کنونی در بازار نفت ممکن است اثرات بمراتب بیشتری بر رشد اقتصاد جهان و آمریکا نسبت به آنچه اغلب اقتصاددانان انتظار آن را دارند، داشته باشد:

همانطور که اشاره شد، شوک های نفتی در حداقل نیمی از رکودهای اقتصادی جهان و آمریکا نقش اساسی داشته اند و بخصوص این نقش در دوره ۳۰ ساله گذشته پررنگ تر می باشد . از جمله این دوره ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

✓ رکود اقتصاد جهان و آمریکا در دوره ۱۹۷۵-۱۹۷۴ بدنبال جنگ اعراب و اسرائیل و

توقیف کشتی های نفتی و در نتیجه، افزایش سه برابری قیمت نفت کلید خورد.

✓ رکود اقتصاد جهان و اقتصاد آمریکا در دوره ۱۹۸۱-۱۹۸۰ و بدنبال انقلاب ایران در سال

۱۹۷۹ و در نتیجه آن، افزایش قیمت نفت کلید خورد.

✓ رکود اقتصاد آمریکا در دوره ۱۹۹۱-۱۹۹۰ تا حدی به خاطر حمله عراق به کویت در

تابستان سال ۱۹۹۰ و در نتیجه آن افزایش قیمت نفت ایجاد شد.

✓ رکود اقتصاد جهان و اقتصاد آمریکا در سال ۲۰۰۱ تا حدی به خاطر افزایش شدید در قیمت نفت بدنبال بحران انرژی کالیفرنیا و کشمکش در خاورمیانه (آغاز انتفاضه دوم) کلید خورد. اما عوامل دیگری در این دوره وجود داشتند که دارای اهمیت بیشتری بودند: ترکیدن حساب سهام شرکت های اینترنتی، کاهش شدید سرمایه گذاری واقعی و تا حد کوچکتري، سخت گیری های بهره ای فدرال رزرو در سال های ۲۰۰۰ و ۱۹۹۹. در حال حاضر، دو نگرانی وجود دارد: اول اینکه، قیمت های کنونی نفت ضربات مازادی به اقتصاد جهان و آمریکا وارد می کند و دوم اینکه، تکانه های سیاسی در خاورمیانه ممکن است منجر به کاهش در عرضه نفت و در نتیجه، افزایش قابل توجه قیمت نفت و در نهایت، رکود اقتصادی دیگری بر اثر این افزایش قیمت ها شود.

در ادامه تلاش می شود شوک های نفتی که پس از جنگ جهانی دوم یعنی سال ۱۹۴۶ تا کنون موجب تغییر قابل توجه قیمت نفت در جهان شده اند، مورد بررسی قرار گیرد.

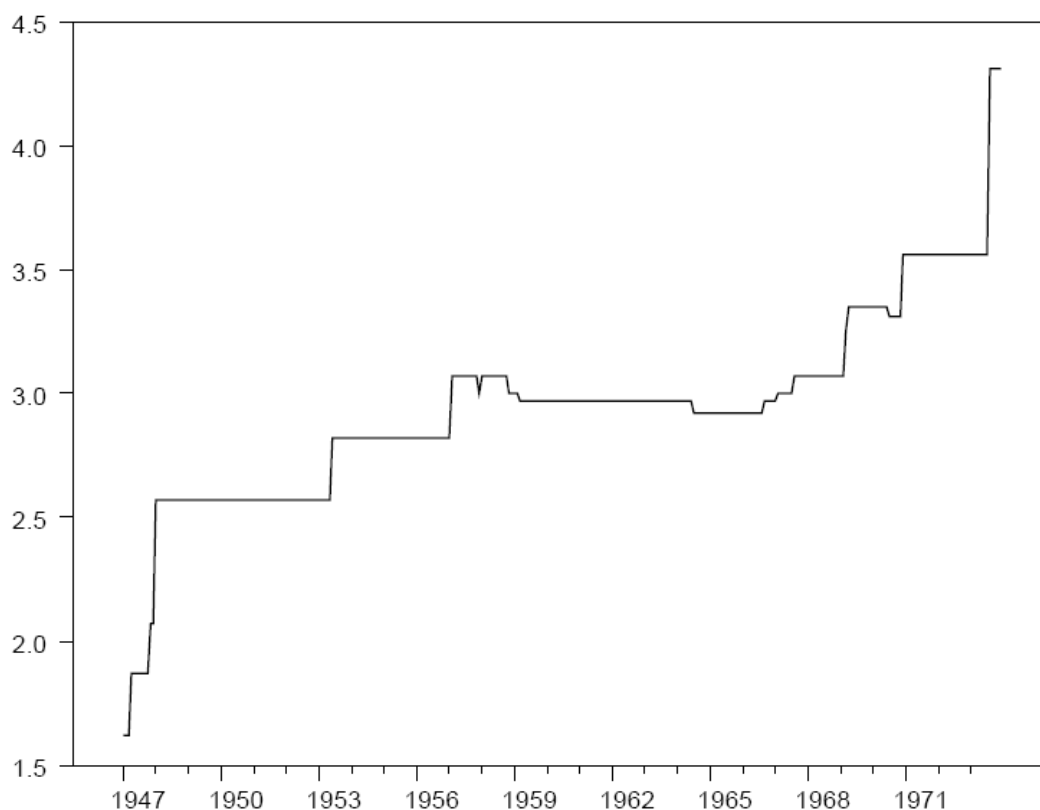
### **شوک های نفتی دوره ۱۹۷۲-۱۹۴۶:**

کشور ایالات متحده آمریکا همیشه بزرگترین مصرف کننده نفت در جهان بوده و تا سال ۱۹۷۴ یعنی سالی که اتحاد جماهیر شوروی توانست از این کشور پیش بیفتد، بزرگترین تولید کننده محصولات نفتی در جهان بوده است. در اوان دوره پس از جنگ جهانی دوم، قیمت ها در سرتاسر جهان در خلیج مکزیک و توسط کمیسیون راه آهن تگزاس تعیین می شد و این کمیسیون بازیگری کلیدی در حوزه بازار جهانی نفت بشمار می رفت.

اگرچه مسلماً مقررات دولتی منجر به افزایش مقدار نفتی شده بود که می بایست در نهایت از میدین نفتی آمریکا استخراج می شد، ولی این موضوع همچون نتایج قابل توجهی بر روی رفتار قیمت ها داشت. جوازهای تولیدی که بوسیله کمیسیون راه آهن تگزاس صادر می شد مبنایی برای ارزیابی تقاضای کنونی بازار بود. در هر ماه، این کمیسیون می بایستی تقاضای تولید را در قیمت های جاری نفت پیش بینی و بر این اساس اقدام به صدور جواز استخراج نماید. همین

موضوع نیز موجب می شد که قیمت های اسمی نفت معمولاً نسبت به ماه قبلی آن از ثبات زیادی برخوردار باشند. از طرف دیگر، این کمیسیون از اختلالات برونزا در بخش عرضه نفت از طریق ایجاد تغییرات ناگهانی و مقطعی در قیمت های نفت در سالهای آغازین پس از جنگ جهانی دوم، سودمند می شد. (نمودار ۱). بر این اساس، قیمت اسمی نفت در این دوره، سری زمانی منحصر بفردی به ترتیبی که در نمودار زیر مشاهده می شود، بود که تغییرات آن تنها در عکس العمل به اتفاقات قابل پیش بینی بخصوص بود.

### نمودار ۱- قیمت دلاری هر بشکه نفت خام WTI در دوره ۱۹۴۷-۱۹۷۳

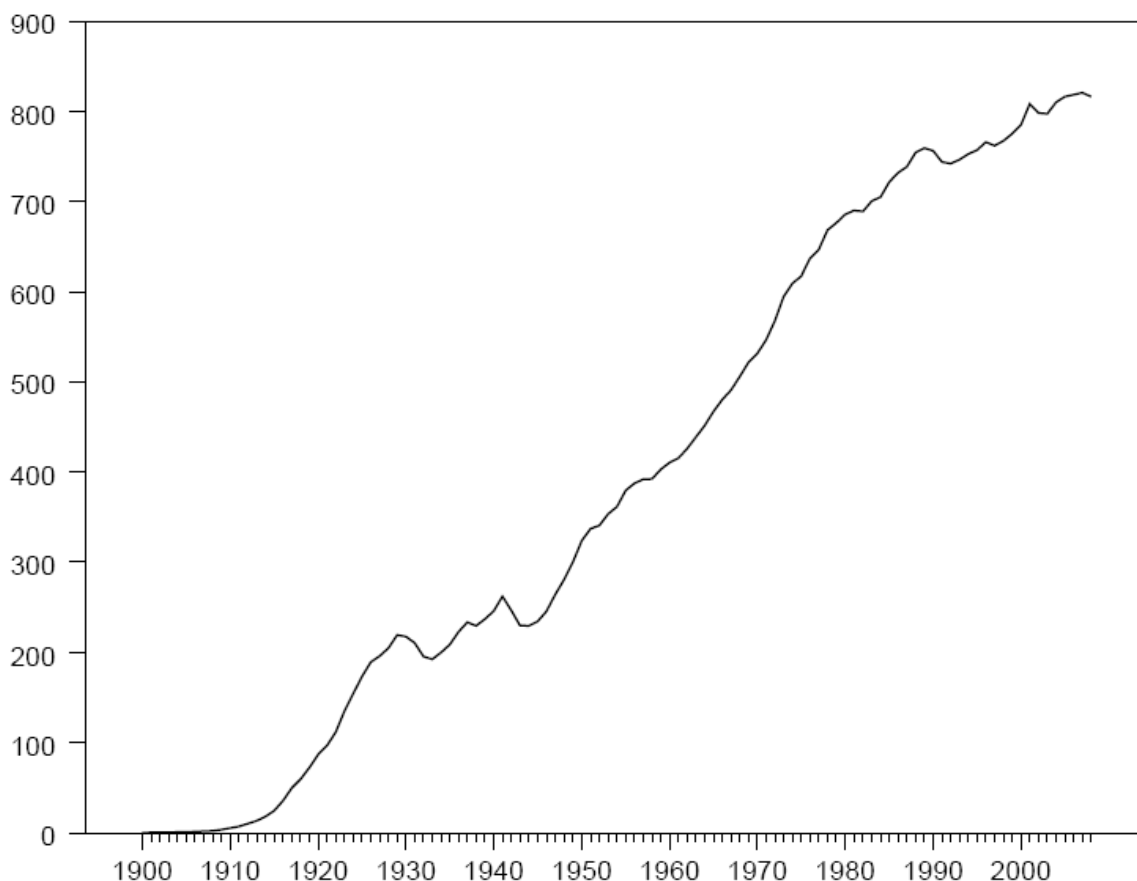


دوره ۱۹۴۷-۱۹۴۸:

پایان جنگ جهانی دوم، آغاز شتاب در تقاضا برای صنعت اتومبیل در جهان بود. تقاضا برای محصولات نفتی در آمریکا بین سال های ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۷ بیش از ۱۲٪ افزایش یافت و همانطور که در نمودار ۲ مشاهده می شود، تقاضا برای وسایل نقلیه در این کشور بیش از ۲۲٪ افزایش

یافت. قیمت نفت در طول دو سال ۸۰٪ افزایش یافت اما این میزان افزایش برای جلوگیری از کمبودهای ایجاد شده در بازار نفت کافی نبود. در ژوئن ۱۹۷۴، کمپانی استاندارد اویل و کمپانی فیلیپس پترولیوم طرحی را برای جیره بندی تخصیص بنزین به فروشندگان و معامله گران ارائه نمود. هزاران نفر، آن زمستان را با کمبود سوخت گذراندند. کاهش در مخارج بخش ساخت و ساز مسکونی در ربع سوم سال ۱۹۴۸ آغاز شد و همراه با اولین رکود اقتصادی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم در نوامبر سال ۱۹۴۸ شد.

### نمودار ۲- تقاضا برای وسایل نقلیه در آمریکا به ازای هر ۱۰۰۰ نفر



دوره ۱۹۵۲-۱۹۵۳: اختلالات عرضه و جنگ کره.

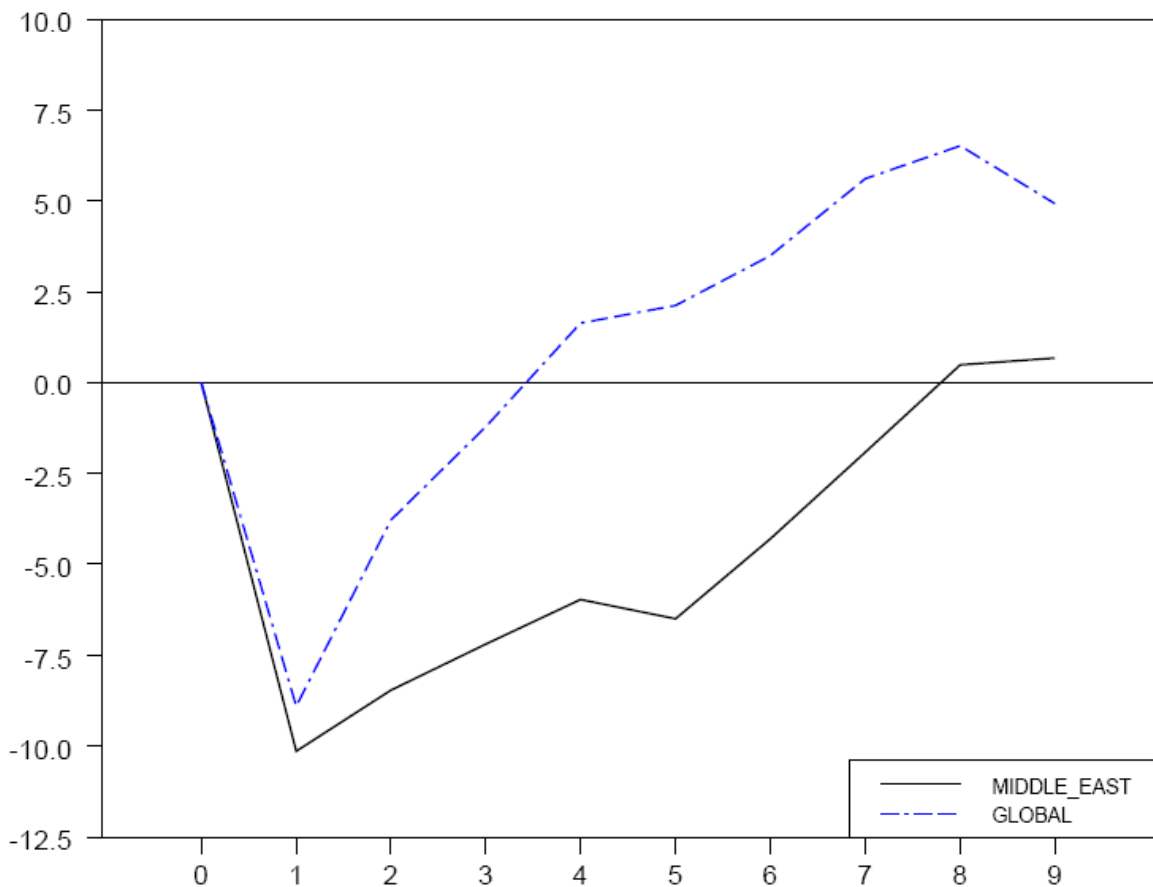
قیمت نفت در طول جنگ کره به دنبال درخواست اداره تثبیت قیمت نفت از ۲۵ ژانویه ۱۹۵۰ تا ۱۳ فوریه ۱۹۵۳ بدون حرکت باقی ماند. محمد مصدق، نخست وزیر ایران در تابستان سال

۱۹۵۱ صنعت نفت این کشور را ملی اعلام کرد و در نتیجه آن تحریم نفتی ایران در پاسخ به حذف ۱۹ میلیون بشکه نفت در ماه از جانب ایران در بازارهای جهانی نفت، در دستور کار قرار گرفت. اعتصاب کارگران پالایشگاه های نفت آمریکا در ۳۰ آوریل ۱۹۵۲، موجب خاموشی یک سوم پالایشگاه های نفت این کشور شد. در پاسخ به این اتفاق، دولت های آمریکا و بریتانیا اقدام به کاهش ۳۰٪ سوخت تحویلی به پروازهای غیرنظامی نمودند و این در حالی بود که دولت کانادا کل پروازهای خصوصی در این کشور را معلق نمود. کانزاس سیتی و تولدو اقدام به ارائه طرحی داوطلبانه برای جیره بندی بنزین برای خودروهای سواری نمودند و شیکاگو نیز تحویل سوخت به ۳۰۰ اتوبوس شهری را متوقف نمود. زمانی که کنترل های قیمتی در ژوئن ۱۹۵۳ برداشته شد، قیمت نفت WTI معادل ۱۰٪ افزایش یافت. دومین رکود اقتصادی در آمریکا درست همزمان با این اتفاق و در ماه بعد اتفاق افتاد.

#### دوره ۱۹۵۷-۱۹۵۶: بحران کانال سوئز.

جمال ناصر، رئیس جمهور مصر در ژوئیه ۱۹۵۶ کانال سوئز را به امید به دست آوردن مجدد کنترل بر آن، ملی شده اعلام کرد. دولت های بریتانیا و فرانسه کشور اسرائیل را برای حمله به قلمرو سینا در ۲۹ اکتبر همان سال تشویق نمودند. در دوره این کشمکش، ۴۰ کشتی حمل و نقل نفت غرق شدند و روزانه معادل ۱ تا ۱.۲ میلیون بشکه نفت از مدار خارج شد. همچنین، ایستگاه های پمپ نفت خطوط لوله کمپانی نفت عراق که روزانه نیم میلیون بشکه نفت را از طریق کشور سوریه به بنادر شرقی مدیترانه انتقال می دادند تخریب شده بود. کل تولید نفت خاورمیانه در نوامبر سال ۱۹۵۶ حدود ۱.۷ میلیون بشکه کاهش یافت. همانطور که در نمودار زیر مشاهده می شود، این میزان در آن زمان معادل ۱۰.۱٪ کل تولید نفت جهان بود که این نسبت از تمامی تکانه های نفتی طرف عرضه بازار نفت در سال های پس از این تاریخ بزرگتر و بیشتر بوده است.

### نمودار ۳- تولید نفت پس از بحران کانال سوئز



(نمودار نقطه چین تغییرات ماهیانه تولید نفت خام در جهان را از اکتبر ۱۹۵۶ و منحنی مشکی رنگ تغییر در تولید نفت منطقه خاورمیان را طی دوره مزبور نشان می دهد- تغییرات به عنوان درصدی از سطح تولید جهانی نفت خام در جهان در اکتبر ۱۹۵۶ می باشد- محور افقی تعداد ماههای سال از اکتبر ۱۹۵۶ را نشان می دهد.)

ابن وقایع، نتایج اقتصادی قابل چشمگیری برای اروپا داشت که بیش از دو سوم محصولات نفتی این قاره به خاورمیانه متکی بود. این وضعیت را می توان از تحلیل روزنامه نیویورک تایمز در آن دور ه به خوبی درک کرد:



" لندن، ۱ دسامبر - کمبود نفت ناشی از بحران کانال سوئز در اروپا در این هفته به طور کامل مشاهده شد... عرضه در حال کاهش بنزین موجب کاهش شدید استفاده از اتومبیل شده و کاهش شدید اشتغال صنعت خودروسازی و افزایش نگرانی ها در مورد پرداخت حقوق کارکنان کارخانه های اتومبیل سازی شده است.

هیچ سیستم گرمایشی در برخی از ساختمان ها دیده نمی شود؛ رادیاتورها در بهترین حالت نیمه گرم و ولرم هستند... بریتانیا، دانمارک و فرانسه اقدام به اجرای سیاست جیره بندی نموده اند. تقریباً تمامی کارخانه های ساخت اتومبیل در بریتانیا تولیدشان را کاهش داده و کارگران را به جای فعالیت ۵ روزه مجبور به فعالیت ۴ روزه در هفته نموده اند..... شرکت ولوو به عنوان مهم ترین شرکت اتومبیل سازی کشور سوئد حدود ۳۰٪ از تولید خود را کاهش داده است. در لندن و پاریس، صف های طولانی در خارج از ایستگاههای فروش بنزین تشکیل شده است... در اواخر شنبه، انجمن خودروسازی اروپا گزارش داد که ۷۰٪ ایستگاههای بنزین در بریتانیا بسته شده اند.

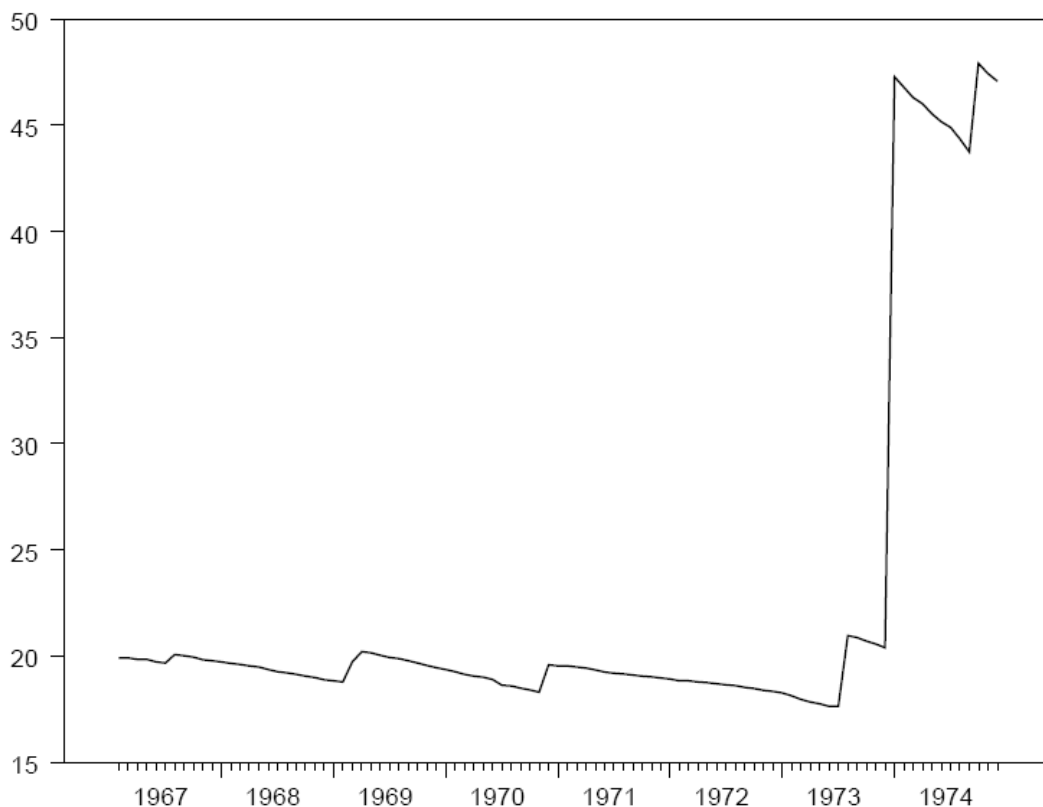
دارندگان هتل در هلند بر این باورند که ممنوعیت رانندگی و عدم وجود بنزین کافی برای اتومبیل ها موجب کاهش ۸۵ درصدی درآمد کسب و کار آنان شده است. " تولید کشورهای خارج از خاورمیانه تنها قادر به پر کردن بخشی از شکاف ایجاد شده بود. برای مثال، صادرات نفت خام آمریکا و محصولات نفتی این کشور در ماه دسامبر همان سال معادل ۳۰۰ میلیون بشکه در روز افزایش یافت. در فوریه، کل تولید محصولات نفتی دنیا به میزان قبلی خود در ماه اکتبر بازگشت. تولید نفت خاورمیانه نیز در ژوئن ۱۹۵۷ همانطور که در نمودار بالا مشاهده می شود، به سطوح قبل از ایجاد بحران بازگشت.

با این حال، کل صادرات واقعی کالاها و خدمات آمریکا که کاهش خود را از ربع اول سال ۱۹۵۷ آغاز کرده بود در طول سال بعد ۱۸٪ کاهش یافت. این کاهش در صادرات آمریکا یکی از عوامل دخیل در سومین رکود اقتصادی این کشور پس از جنگ جهانی دوم یعنی اوت سال ۵۷ شد.

دوره ۱۹۷۰-۱۹۶۹: افزایش نسبتاً کم قیمت ها.

همانطور که در نمودار زیر مشاهده می شود، افزایش قیمت نفت در سالهای ۱۹۶۹ و ۷۰ تا حدی در واکنش به فشارهای تورمی روبه گسترش اواخر دهه ۱۹۶۰ بود.

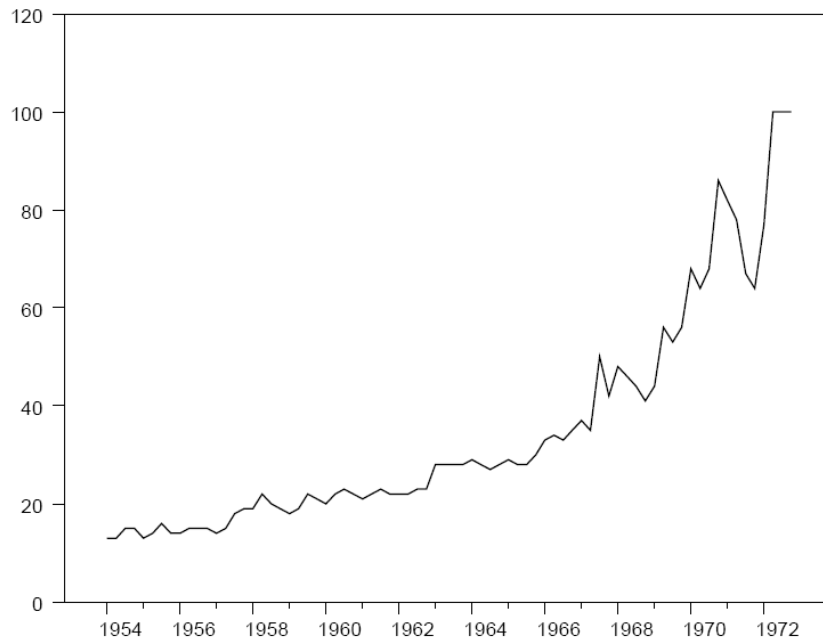
نمودار ۴- قیمت های واقعی نفت (بر حسب سال پایه ۲۰۰۹) در دوره ۱۹۶۷-۱۹۷۴



- شوک های نفتی دوره ۱۹۷۳-۱۹۹۶ : عصر اوپک:

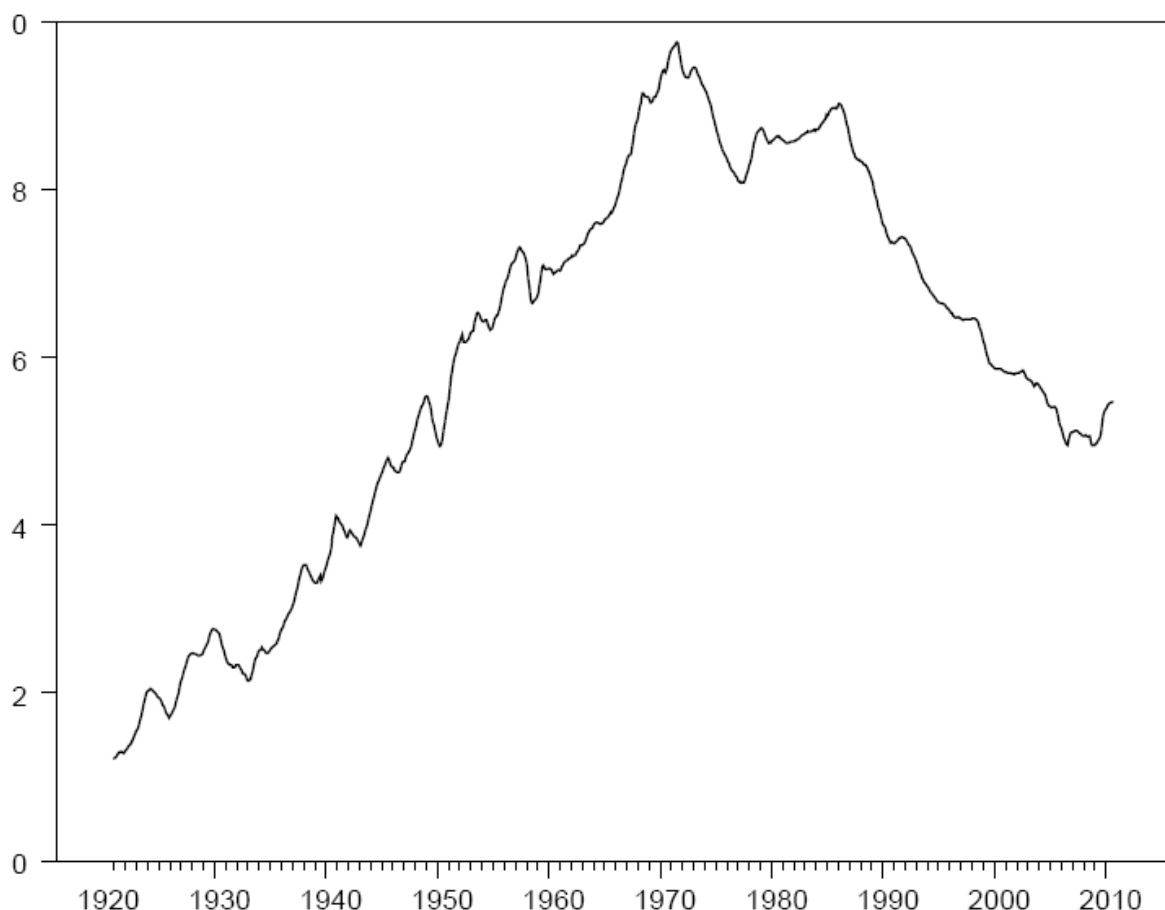
در اواخر دهه ۱۹۶۰، کمیسیون راه آهن تگزاس به طور قابل توجهی مجوزهای تولید از چاه های نفت در ایالت های مختلف امریکا را افزایش داد و بدنبال آن همانطور که در نمودار ۱ مشاهده می شود، در سال ۱۹۷۲ محدودیت های موجود در زمینه حفظ و نگهداری ذخایر نفتی را کاملاً از بین برد.

### نمودار ۱- تعداد مجوزهای کمیسیون راه آهن تگزاس به عنوان درصدی از کل نرخ بهره وری



همانطور که در نمودار ۲ نشان داده شده است، در سال ۱۹۷۲ تولید نفت خام آمریکا به نقطه اوج خود رسیده بود و پس از آن با وجود اینکه انگیزه ها و محرک های لازمی همچون افزایش قابل توجه قیمت ها پس از ۱۹۷۳ و استخراج نفت از حوزه های بزرگ نفتی آلاسکا در ۱۹۸۰ برای افزایش تولید این کشور وجود داشت، ولی تولید نفت خام این کشور روندی نزولی را طی نمود.

نمودار ۲- تولید حوزه های تولید نفت خام آمریکا طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۲۰ (متوسط تولید در روز)-میلیون بشکه



اگر چه به اثبات رسیده بود که مازاد عرضه موجود در منطقه خاورمیانه جایگزین کمبود تولید ایالات متحده آمریکا می شود اما پروسه انتقال بازار نفت جهانی که تا آن زمان در خلیج مکزیک متمرکز شده بود به بازار دیگری در منطقه خلیج فارس به آرامی و نرمی انجام نگرفت. آقای بارسکی و کیلین (۲۰۰۱) در مطالعه خود بر روی شوک نفتی ۱۹۷۲ به عوامل دیگری علاوه بر کاهش تولید نفت از جانب ایالات متحده آمریکا اشاره می کنند که موجب افزایش قیمت های نسبی نفت خام در جهان در اواخر دهه ۱۹۷۰ شده بودند. یکی از مهم ترین این عوامل به مسئله از رده خارج شدن سیستم برتن وودز برمی گردد که موجب کاهش ارزش دلار و در نتیجه افزایش قیمت دلاری اکثر کالاهای اساسی مورد تجارت در صحنه بین المللی شده

بود. بعلاوه، نرخ سود اسمی اسناد خزانه ۳ ماهه آمریکا بین ماه اوت ۱۹۷۲ تا اوت ۱۹۷۴ پایین تر از نرخ تورم رسمی قرار داشت که این نرخ بهره واقعی منفی خود عامل دیگری در جهت افزایش قیمت نسبی کالاهای اساسی شده بود (فرانکل، ۲۰۰۸). بین اوت ۱۹۷۱ و اوت ۱۹۷۳، شاخص قیمت تولید کننده (PPI) برای چوب و محصولات چوبی بیش از ۴۲٪ افزایش یافت. شاخص قیمت تولید کننده برای آهن و فولاد بیش از ۸٪، برای فلزات غیر آهنی ۱۹٪ و برای مواد غذایی بیش از ۹۶٪ افزایش یافته بود. شاخص قیمت تولید کننده بین اوت ۱۹۷۱ و اوت ۱۹۷۳ برای محصولات نفتی ۱۰٪ افزایش یافته بود که نسبت به تغییر قیمت سایر کالاهای اساسی متعادل تر و کم تر بود.

همه این عوامل موجب افزایش سهم و اردات نفت ایالات متحده آمریکا شده بود که یکی از عوامل مهمی که مرحله تغییر به سمت افزایش سهم واردات نفت آمریکا را تسریع بخشید، اجرای سیستم کنترل قیمت‌ها توسط نیکسون متقارن با فروپاشی نظام برتن وودز در سال ۱۹۷۱ می باشد. در بهار ۱۹۷۳، برخی از پمپ بنزین ها در خرید عمده فروشی بنزین دچار مشکل شده و در نتیجه این موضوع، مصرف کنندگان به شدت تحت تأثیر قرار گرفته بودند. برای مثال، روزنامه نیویورک تایمز در آن دوره این وضعیت را در گزارش خود چنین توصیف کرد:

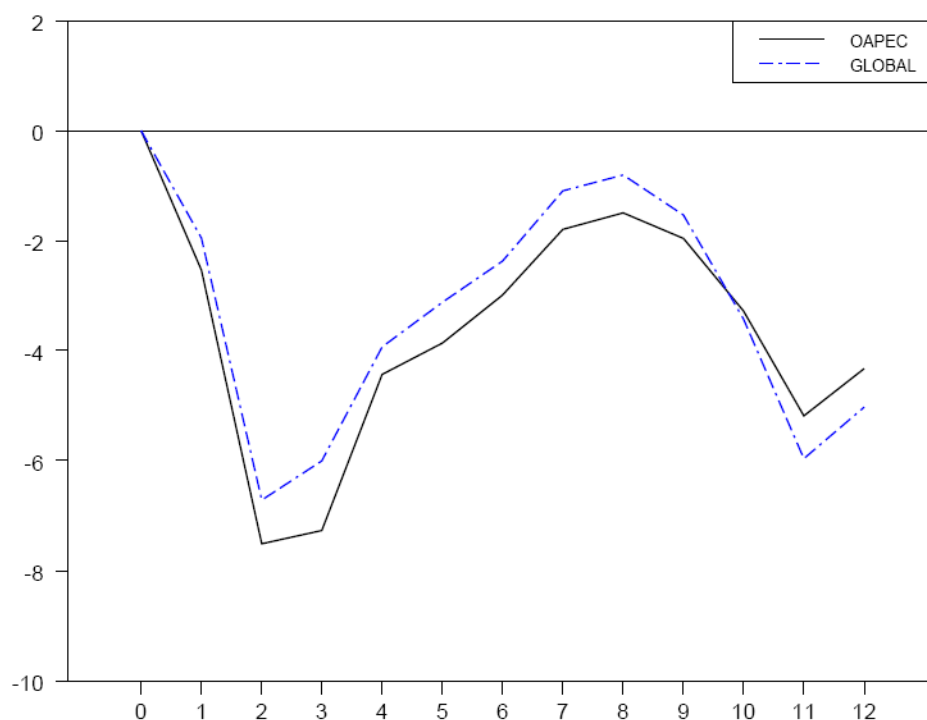
" با بسته شدن بیش از ۱۰۰۰ جایگاه سوخت به دلیل کمبود بنزین، کمبود آن در حال تبدیل شدن به یک واقعیت آشکار برای میلیون ها نفر از شهروندان کشورهای مصرف کننده خودرو می باشد".

ششمین رکود اقتصادی بعد از جنگ جهانی دوم در نوامبر ۱۹۷۳ و درست بعد از ایجاد یکی از مهم ترین وقایع ژئوپولوتیک در جهان ( یعنی توقیف کشتی های نفتی و جنگ اعراب و اسرائیل ) ظهور کرد که در ادامه هر یک از این وقایع مورد بررسی قرار می گیرد.

### شوگ نفتی دوره ۱۹۷۴-۱۹۷۳: توقیف کشتی های نفتی توسط اعضای عرب اوپک.

در تاریخ ۶ اکتبر ۱۹۷۳ کشورهای سوریه و مصر حملات خود به اسرائیل را آغاز کردند. در ۱۷ اکتبر همان سال، اعضای عرب سازمان اوپک اقدام به توقیف کشتی های نفتی کردند که به کشورهای هم پیمان و حامی اسرائیل نفت صادر می کردند که این موضوع موجب کاهش شدید تولید نفت خام اوپک شد. همانطور که در نمودار ۳ نشان داده شده است، در نوامبر همان سال تولید نفت خام اعضای عرب اوپک نسبت به سطح آن در سپتامبر همان سال حدود ۴.۴ میلیون بشکه در روز کاهش یافته بود که این کاهش تولید موجب در معرض خطر قرار گرفتن امنیت بیش از ۷.۵٪ از کل تولید نفت جهان شد. در مقابل، افزایش تولید نفت خام توسط کشورهای دیگری از قبیل ایران تنها بخش کوچکی از این کمبود نفت را جبران کرد.

نمودار ۳- تولید نفت بعد از جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳



(خط تیره نشان دهنده درصد تغییر در تولید ماهیانه نفت خام در جهان از سپتامبر ۱۹۷۳ و خط آبی رنگ نشان دهنده درصد تغییر در تولید ماهیانه نفت خام اعضای عرب اوپک از سپتامبر سال ۱۹۷۳ می باشد)(محور افقی نشان دهنده تعداد ماههای پس از سپتامبر ۱۹۷۳ می باشد)

در اول ژانویه ۱۹۷۴، کشورهای حوزه خلیج فارس قیمت نفت خام را دو برابر کرده بودند. این موضوع باری دیگر موجب بازگشت کمبود بنزین و افزایش خسارت به مصرف کنندگان شد. مطابق با مطالعه فرچ و لی (۱۹۸۷) مصرف کنندگان بنزین به دلیل ایجاد صف های طولانی در مقابل جایگاههای سوخت در دسامبر ۱۹۷۳ بیش از ۱۲٪ بیشتر پرداخت می کردند و این هزینه برای آنها در ماه مارچ ۱۹۷۴ به بیش از ۵۰٪ رسیده بود. این هزینه ها در مناطق روستایی به مراتب بیشتر شده بود بطوری که در مناطق روستایی در ماه مارچ ۱۹۷۴ هزینه بنزین ۸۴٪ بیشتر از قیمت بازاری بنزین بود.

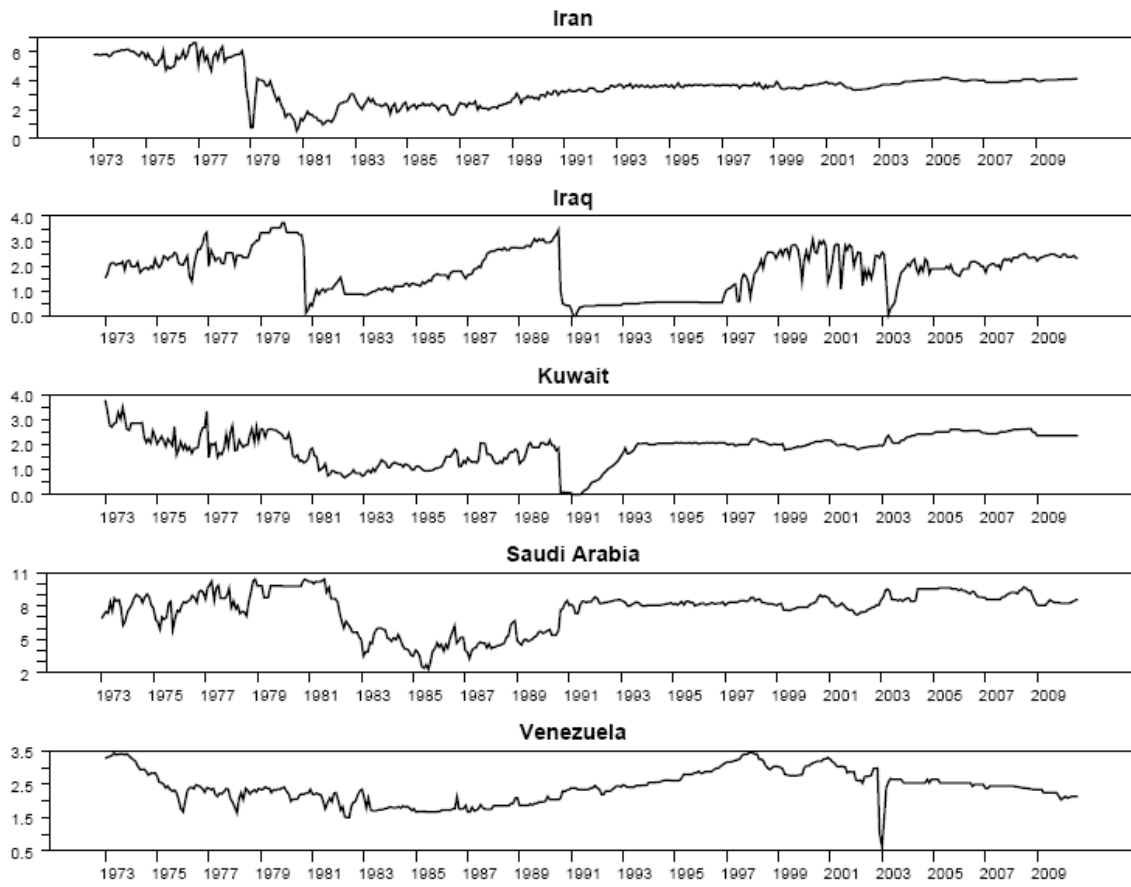
بارسکی و کیلین (۲۰۰۱) بر این باورند که محرک های اقتصادی قبل از آغاز جنگ اعراب و اسرائیل عامل مهمی در جهت افزایش قیمت نفت بوده است. با این حال، با وجودی که یکی از دلایل مهم افزایش قیمت نفت در سال ۱۹۷۳-۱۹۷۴ مربوط به عوامل اقتصادی می باشد و می بایستی در چارچوب اقتصادی مورد توجه قرار گیرد، اما زمان بخصوص رخداد این شوک نفتی، حجم و طبیعت کاهش عرضه نفت در آن برهه از زمان به شدت مرتبط به وقایع ژئوپولوتیک می باشد.

#### شوک نفتی انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹-۱۹۷۸:

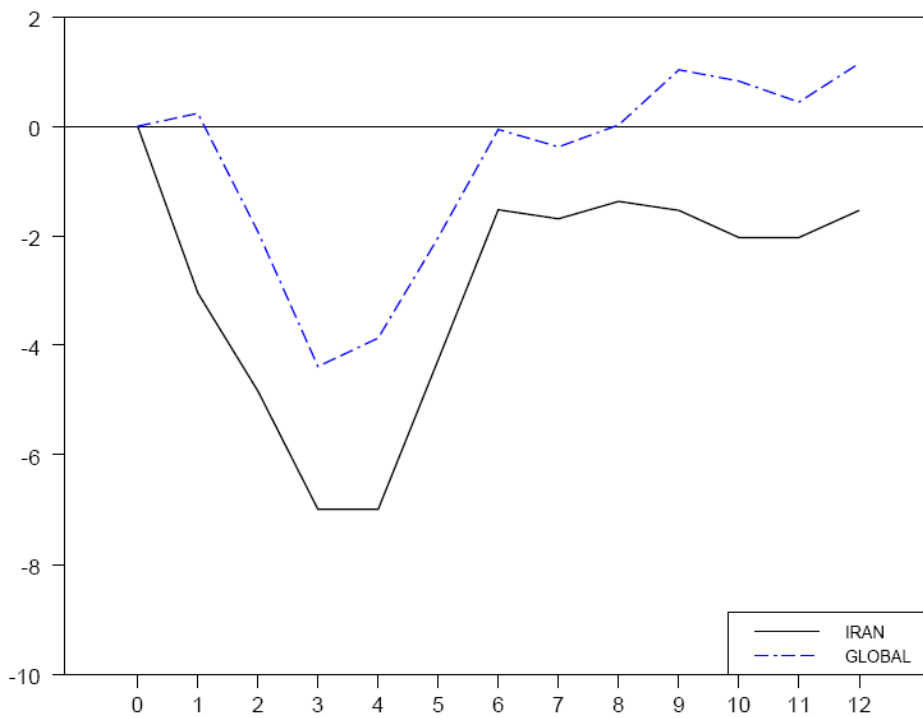
جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ آغازگر دهه ای پرتلاطم در خاورمیانه بود . در نمودار ۴ تولید ماهیانه نفت ۵ عضو کلیدی اوپک از سال ۱۹۷۳ نشان داده شده است . کشور ایران در مخالفت و پاسخگویی به دولت های عرب منطقه تولید نفت خود را در سال ۷۴-۱۹۷۳ افزایش داد اما بدنبال انقلاب ایران و بین اکتبر ۱۹۷۸ و ژانویه ۱۹۷۹ و بدنبال افزایش اعتصابات کارگری و توقف تولید نفت در ایران، تولید نفت ایران ۴.۸ میلیون بشکه در روز کاهش یافت که این میزان معادل ۷٪ کل تولید نفت جهان در آن مقطع زمانی بود . در ژانویه ۱۹۷۹ پس از فرار شاه ایران و انتقال قدرت به اسلام گرایان، یک سوم تولید ایران از جانب دیگر کشورهایی چون عربستان جبران شد.



نمودار ۴- نرخ تولید ماهیانه (میلیون بشکه در روز) ۵ عضو اوپک از دوره ۱۹۷۳ تا ۲۰۱۰



نمودار ۵- تولید نفت بعد از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۸



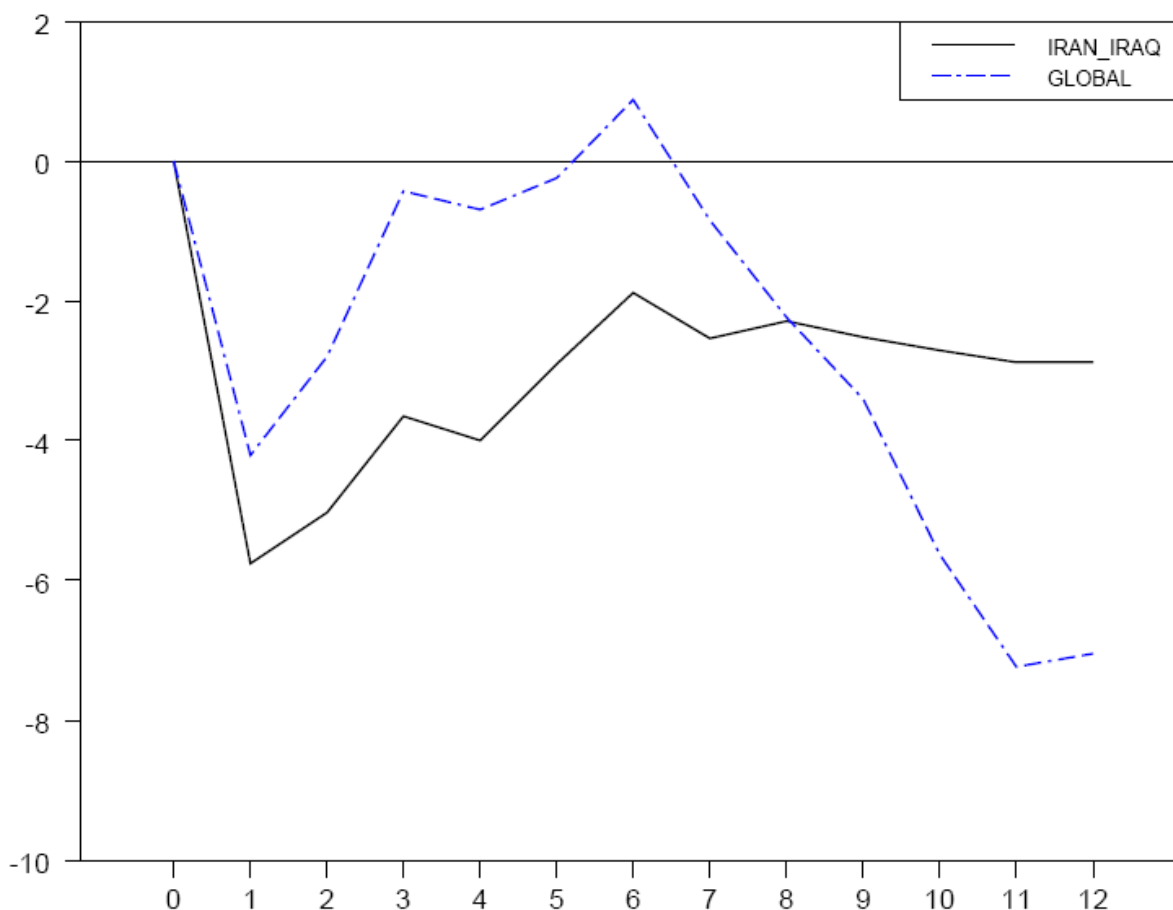
(خط تیره نشان دهنده درصد تغییر در تولید ماهیانه نفت خام جهان از اکتبر ۱۹۷۸ و خط آبی رنگ نشان دهنده میزان تغییر در تولید نفت خام جهان از اکتبر ۱۹۷۸ می باشد. محور افقی نیز نشان دهنده تعداد ماهها پس از اکتبر ۱۹۷۸ می باشد.)

ایجاد صف های طولانی در مقابل جایگاههای سوخت همانند دوره های قبلی شوک نفتی از خصوصیات بارز این شوک نفتی بود . بر اساس محاسبات فرچ و لی (۱۹۸۷) در ماه مه ۱۹۷۹ ایجاد چنین صف های طولانی در مقابل جایگاه های بنزین حدود یک سوم قیمت تمام شده بنزین را برای مصرف کنندگان آمریکایی افزایش داده بود . بدنبال این اتفاقات بود که هفتمین رکود اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم درست همزمان با این اتفاقات در ژانویه سال ۱۹۸۰ اتفاق افتاد.

### - شوک نفتی ۱۹۸۱-۱۹۸۰ : جنگ ایران و عراق؛

در اواخر سال ۱۹۷۹، تولید نفت ایران به حدود نیمی از سطح خود در ماههای قبل از انقلاب رسیده بود. اما باری دیگر به خاطر آغاز جنگ ایران با عراق در سپتامبر ۱۹۸۰ سطح تولید نفت ایران مورد آسیب قرار گرفت. در نمودار زیر وضعیت تولید نفت ایران از شروع سپتامبر ۱۹۸۰ تا ۱۲ ماهه منتهی به سپتامبر ۱۹۸۱ نشان داده شده است.

**نمودار ۱- تولید نفت خام پس از جنگ ایران و عراق**



توجه: خط آبی رنگ نشان دهنده درصد تغییر ماهیانه در تولید نفت خام جهان نسبت به ماه سپتامبر ۱۹۸۰ و خط تیره نشان دهنده درصد تغییرات ماهیانه در تولید نفت ایران و عراق از ماه سپتامبر ۱۹۸۰ به بعد به مدت ۱۲ ماه می باشد.

همانطور که در نمودار بالا مشاهده می شود، ترکیب کاهش تولید نفت در دو کشور بزرگ

تولید کننده نفت یعنی ایران و عراق موجب کاهش حدود ۶٪ تولید جهانی نفت جهان در آن

زمان شد ( اگر چه بعد از گذشت تنها چند ماه این کمبود عرضه نفت تا حدی جبران شد ).

همانطور که در نمودار زیر مشاهده می گردد قیمت نفت در این سال به یکی دیگر از سطوح

بالای خود رسید.

**نمودار (۲) - نوسانات قیمت نفت طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۷۳ (بر اساس سال پایه ۲۰۰۹)**



بر این اساس، قیمت واقعی نفت بین ۱۹۷۸ و ۱۹۸۱ بیش از دو برابر شد. این موضوع خود را در شاخص های قیمت تولید کننده و مصرف کننده و افزایش قابل توجه این شاخص ها طی دوره مزبور نشان داد. بطوری که دفتر مطالعات اقتصاد ملی آمریکا این دوره را به عنوان دوره ای که اقتصاد آمریکا دو رکود اقتصادی پی در پی را تجربه کرده، قلمداد نموده است. در این دوره، هفتمین و هشتمین رکود اقتصاد آمریکا پس از اتمام جنگ جهانی دوم به ترتیب در تاریخ ژوئیه ۱۹۸۰ و ژوئیه ۱۹۸۱ آغاز شد.

#### شوک نفتی ۱۹۸۱-۱۹۸۶: کاهش شدید قیمت ها:

به علت تداوم جنگ بین ایران و عراق و به درازا کشیدن آن، بهبود روند تولید کاهش یافته نفت دو کشور نیز به سختی سپری می شد. با این وجود، بالاخره واکنش کشورهای مصرف کننده

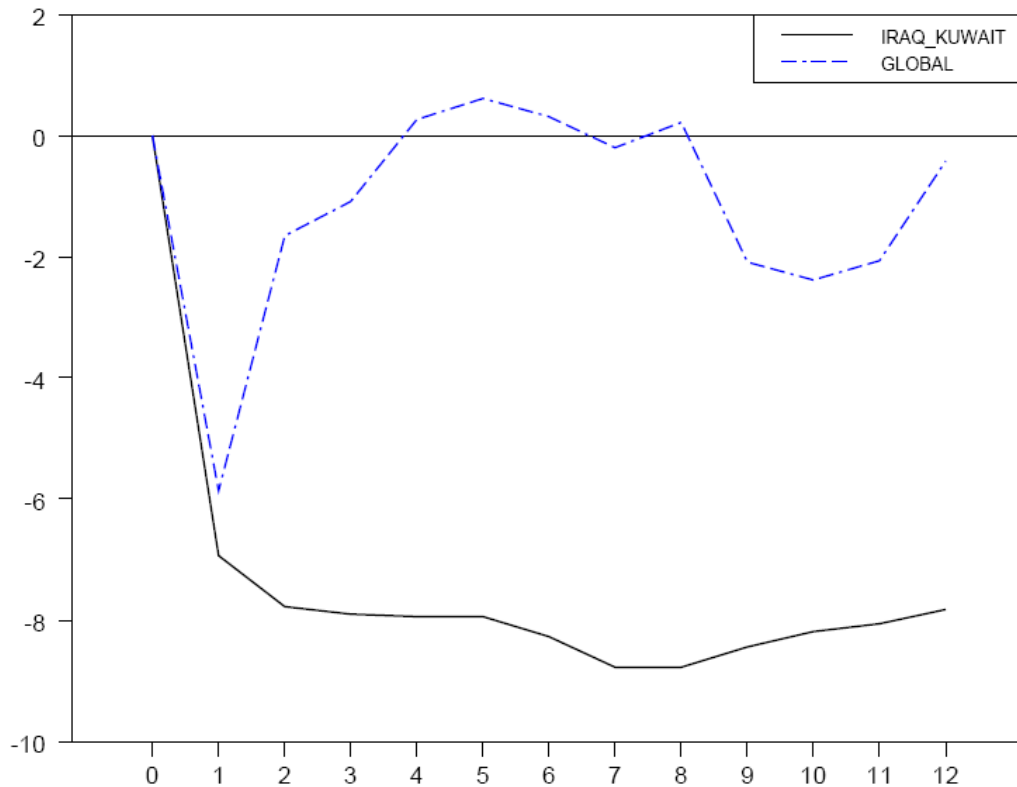
نفت نسبت به قیمت های افزایش یافته نفت در دهه ۱۹۷۰ و تداوم آن در یک دوره بلند مدت به بار نشست و در نتیجه آن، مصرف جهانی نفت خام در اوایل دهه ۱۹۸۰ به طور قابل توجهی کاهش یافت. بر این اساس، عربستان سعودی بین سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۵ حدود سه چهارم تولید نفت خود را به صورت ارادی توقف کرد ولی حتی این میزان کاهش نیز نتوانست تأثیر چندانی بر جلوگیری از کاهش ۲۵ درصدی قیمت اسمی نفت و کاهش قابل توجه تر قیمت واقعی آن داشته باشد. بر همین اساس بود که عربستان سعودی از کرده خود پشیمان شد و تولیدات متوقف شده خود را باری دیگر روانه مدار تولید کرد. در نتیجه این اقدام، باری دیگر در سال ۱۹۸۶ شیب تولید نفت روندی صعودی یافت و این موضوع باری دیگر موجب کاهش قیمت نفت از ۲۷ دلار به ازای هر بشکه در سال ۱۹۸۵ به کمتر از ۱۲ دلار در سال ۱۹۸۶ شد. لذا، با وجود چشم انداز مناسب توسعه در کشورهای مصرف کننده نفت، این موضوع به عنوان یک شوک نفتی برای تولید کنندگان نفت در جهان بحساب می آمد. بر همین اساس نیز ایالات متحده آمریکا در اواسط دهه ۱۹۸۰ باری دیگر رکود اقتصادی دیگری را تجربه نمود.

#### شوک نفتی ۱۹۹۱-۱۹۹۰: جنگ اول خلیج فارس:

در سال ۱۹۹۰، تولید نفت عراق به سطوح قبلی خود در اواخر دهه ۱۹۷۰ رسید و تنها زمانی که این کشور حمله خود به کویت را در اوت ۱۹۹۰ آغاز نمود، باری دیگر کاهش یافت. دو کشور کویت و عراق در آن زمان همانطور که در نمودار ذیل ملاحظه می گردد، حدود ۹٪ از نفت

خام جهان را تولید می کردند و در آن دوره نگرانی هایی جدی مبنی بر احتمال کشیده شدن این مناقشات به درون خاک عربستان سعودی نیز بوجود آمده بود.

### نمودار (۳) - تولید نفت جهان بعد از جنگ اول خلیج فارس



توجه: منحنی آبی رنگ نشان دهنده درصد تغییر ماهیانه تولید نفت خام جهان از اوت ۱۹۹۰ به بعد و منحنی تیره رنگ نشان دهنده درصد تغییر ماهیانه تولید نفت خام کویت و عراق از اوت ۱۹۹۰ به بعد می باشد.

در این دوره، و تنها در طول چند ماه قیمت های نفت خام دو برابر شد. اما با وجودی که دوره

زمانی این افزایش قیمت چندان بلند نبود و مشخص شد که دارای دوره زمانی کوتاهی می

باشد، عربستان سعودی اقدام به استفاده از ذخایر مازاد خود نمود. این کشور، ذخایر نفتی

عظیمی داشت که در طول یک دهه جمع آوری نموده بود. این رخداد موجب شد که آمریکا

نهمین رکود اقتصادی خود پس از جنگ جهانی دوم را در ژوئیه ۱۹۹۰ تجربه کند.

## شوگ های نفتی دوره ۲۰۱۰-۱۹۹۷: عصر صنعتی شدن جدید :

قرن اخیر، یکی از عمیق ترین دگرگونی ها را برای میلیاردها نفر از شهروندان کشورهای مختلف جهان از اقتصاد کشاورزی به سمت اقتصاد صنعتی مدرن رقم زد . این دگرگونی نه تنها در حوزه استانداردهای زندگی خود را نشان داد بلکه حتی در بازارهای نفت جهانی نیز هویدا شد . اقتصادهای تازه صنعتی شده جهان در سال ۱۹۹۸ سهمی معادل ۱۷٪ از محصولات نفتی جهان را به مصرف می رساندند که از این سال به بعد ۶۹٪ از افزایش مصرف جهانی نفت متعلق به همین کشورهای تازه صنعتی شده و در حال توسعه می باشد . کشور چین با بیش از ۱.۳ میلیارد نفر جمعیت سردهسته این کشورها بشمار می آید . نرخ رشد سالانه ۶.۳ درصدی مصرف نفت کشور چین از سال ۱۹۹۸ به بعد، در صورت تداوم طی یک دهه آتی می تواند مصرف نفت این کشور را به سطح مصرف کنونی آمریکا برساند و در صورت تداوم آن تا سال ۲۰۳۰ می تواند به سطحی معادل دو برابر مصرف کنونی کشور آمریکا برسد . تا قبل از این، کشور چین یکی از بزرگترین بازارهای جهانی برای خرید اتومبیل های جدید بود و اکنون نرخ استفاده از اتومبیل در این کشور به ازای هر ۳۰ نفر ۱ خودرو می باشد که ناچیز بودن این رقم زمانی خود را نشان می دهد که آن را با نسبت مزبور در کشوری چون آمریکا که به ازای هر ۱.۳ نفر یک خودرو وجود دارد، مقایسه نمود(همیلتون، ۲۰۰۹).

بر این اساس، در حالی که تحرکات کوتاه مدت قیمت نفت در دوره ۵۰ ساله پس از جنگ

جهانی دوم تحت تفوق توسعه در خاورمیانه بود، چالش تأمین تقاضای محصولات نفتی از

جانب کشورهای تازه صنعتی شده جهان و اقتصادهای نوظهور طی ۱۵ سال اخیر مهم ترین چالش و مسئله در بازار جهانی نفت بشمار می آید.

### شوک نفتی دوره ۱۹۹۸-۱۹۹۷: بحران شرق آسیا:

رشد شگفت انگیز اقتصادی در برخی از کشورهای شرق آسیا از قبل از ۱۹۹۷ آغاز شده بود، بطوری که اقتصاددانان از این پدیده به عنوان معجزه اقتصادی ببرهای آسیایی یاد می کردند. و اما گرچه مشارکت این کشورها در مصرف فرآورده های نفتی تا آن زمان متعادل و نسبتاً کم بود ولی مدل های مختلف نشان از آن داشت که با تداوم رشد اقتصادی اینچینی در این کشورها، قیمت های نفت در اواسط دهه ۱۹۹۰ می تواند به یکی از بالاترین سطوح تاریخی خود برسد. اما در تابستان ۱۹۹۷، تایلند، کره جنوبی و دیگر کشورهای شرق آسیا در معرض فشارهای مالی شدید و فروپاشی واحدهای پولی خود قرار گرفتند. بر این اساس، سرمایه گذاران نسبت به وضعیت رشد اقتصادی و داستان رشد خیره کننده این کشورها و اثرات آتی آن به شدت بدبین شده بودند و لذا تمرکز مالی و اقتصادی خود را از دیگر کشورهای شرق آسیا جدا کردند. بدنبال این تغییر و دگرگونی در فضای اقتصادی و مالی جهان، قیمت نفت کاهش یافت و در پایان سال ۱۹۹۸ به پایین تر از ۱۲ دلار به ازای هر بشکه رسید. بر اساس قیمت های واقعی، این قیمت برای نفت از سال ۱۹۷۲ به بعد پایین ترین سطح موجود آن بحساب می آمد.



## شوگ نفتی ۲۰۰۰-۱۹۹۹: از سرگیر دوباره رشد اقتصادی:

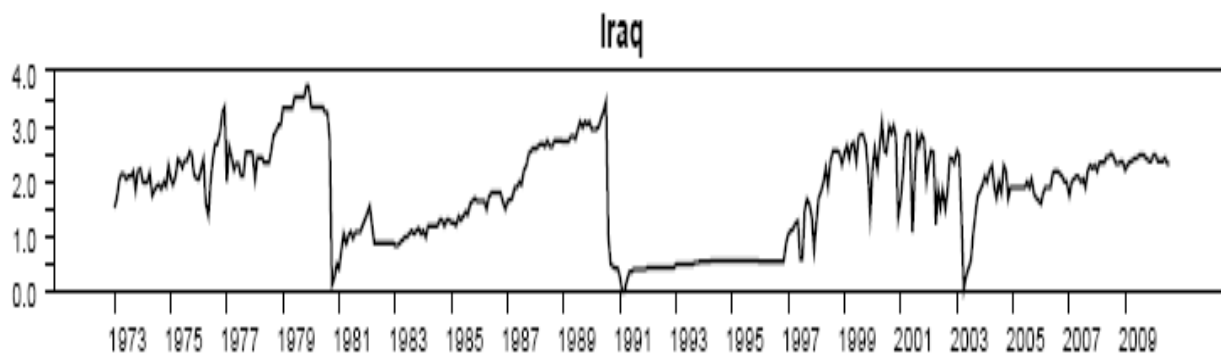
بعد از وقوع بحران شرق آسیا، مشخص شد که این بحران زودگذر بوده و دارای عمری کوتاه است لذا، رشد اقتصادی این کشورها خیلی زود به سطوح قبلی خود بازگشت . بر این اساس، مصرف فرآورده های نفتی به سطح رشد قدرتمند خود در سال ۱۹۹۹ بازگشت و تا پایان سال، قیمت نفت به سطوح بالای خود در آغاز سال ۱۹۹۷ بازگشت. لذا، قیمت نفت WTI بعد از تجربه یک دوره کاهشی در نتیجه کساد اقتصاد جهان، باری دیگر بین نوامبر ۱۹۹۹ و نوامبر ۲۰۰۰ بیش از ۳۸٪ افزایش یافت. دهمین رکود اقتصادی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم نیز بدنبال این وقایع و در تاریخ مارس ۲۰۰۱ آغاز شد.

## شوگ نفتی سال ۲۰۰۳: ناآرامی های ونزوئلا و جنگ دوم خلیج فارس:

اعتصاب عمومی در ونزوئلا بین دسامبر ۲۰۰۲ تا ژانویه ۲۰۰۳ حدود ۲.۱ میلیون بشکه از تولید نفت خام ونزوئلا را از مدار تولید خارج نمود . این اتفاق تنها اندکی بعد از حمله آمریکا به عراق رخ داد که این حمله از ماه آوریل تا ژوئیه آن سال حدود ۲.۲ میلیون بشکه نفت کشور عراق را از مدار تولید خارج نموده بود . اثرات این دو رخداد عظیم بر بازار نفت دو کشور ونزوئلا و عراق که هر دو تحت عنوان وقایع برونزا و ژئوپولوتیک قلمداد می شوند، در قالب دو نمو دار ذیل قابل مشاهده می باشد . در نمودارهای زیر به ترتیب، تولید نفت خام کشور ونزوئلا و عراق بین دوره ۲۰۱۰-۱۹۷۳ نشان داده شده

است. افت شدید تولید نفت این دو کشور در سال ۲۰۰۳ به خوبی در این دو نمودار

نمایان می باشد.



اما نکته قابل توجه در مورد این دو رخداد اینست که سهم آنها در کاهش عرضه نفت در

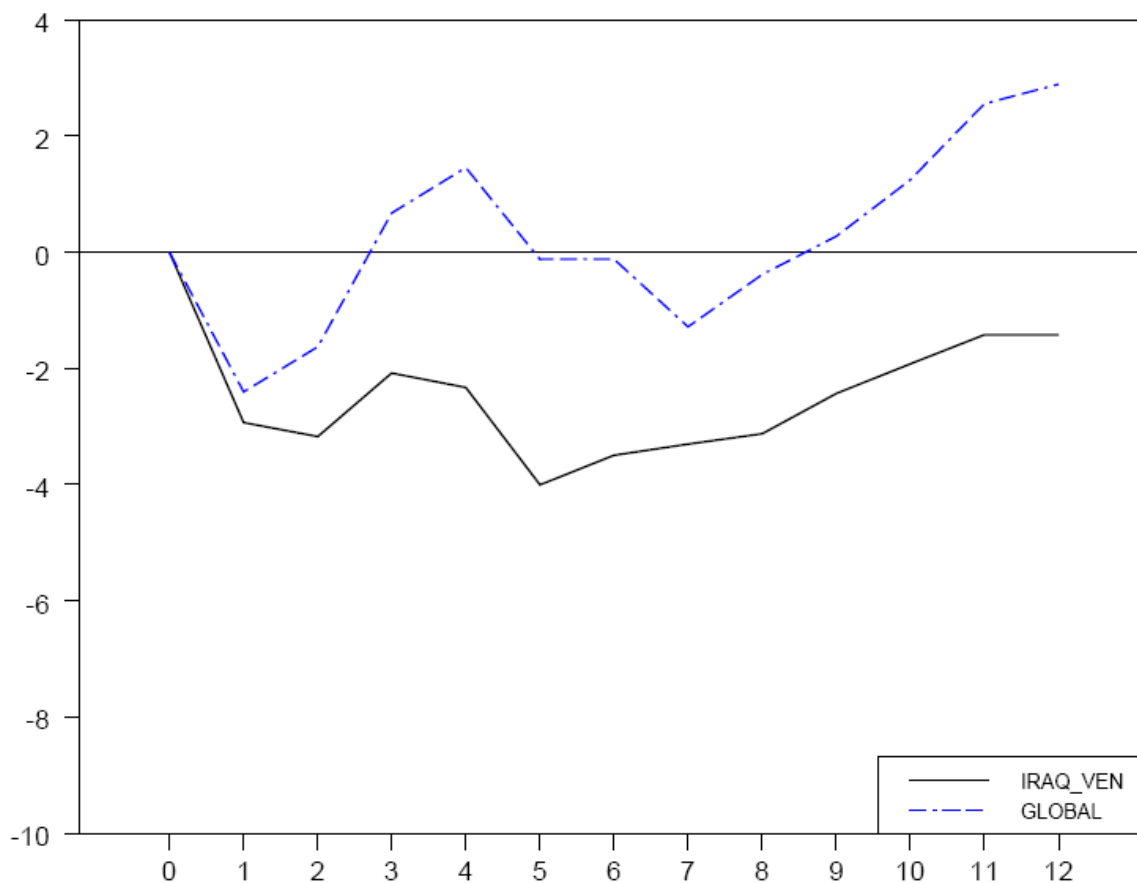
مقایسه با دیگر تکانه های نفتی ایجاد شده در جهان تا حدودی کمتر بوده است . این

موضوع را می توان با نگاهی به نمودار زیر مشاهده کرد . همانطور که ملاحظه می گردد

سهم این دو رخداد ژئوپولوتیک در کاهش عرضه نفت جهان در مقایسه با دیگر شوکهایی

که تا کنون مورد بحث قرار گرفته شده است، کمتر می باشد.

## نمودار(۱) - تولید نفت بعد از ناآرامی های ونزوئلا و جنگ دوم خلیج فارس



نکته: منحنی آبی رنگ نشان دهنده درصد تغییر مایهانه در تولید نفت خام جهان از نوامبر ۲۰۰۲ به بعد می باشد .

منحنی تیره نشان دهنده درصد تغییر ماهانه در تولید نفت خام ونزوئلا و عراق از نوامبر ۲۰۰۲ به بعد می باشد.

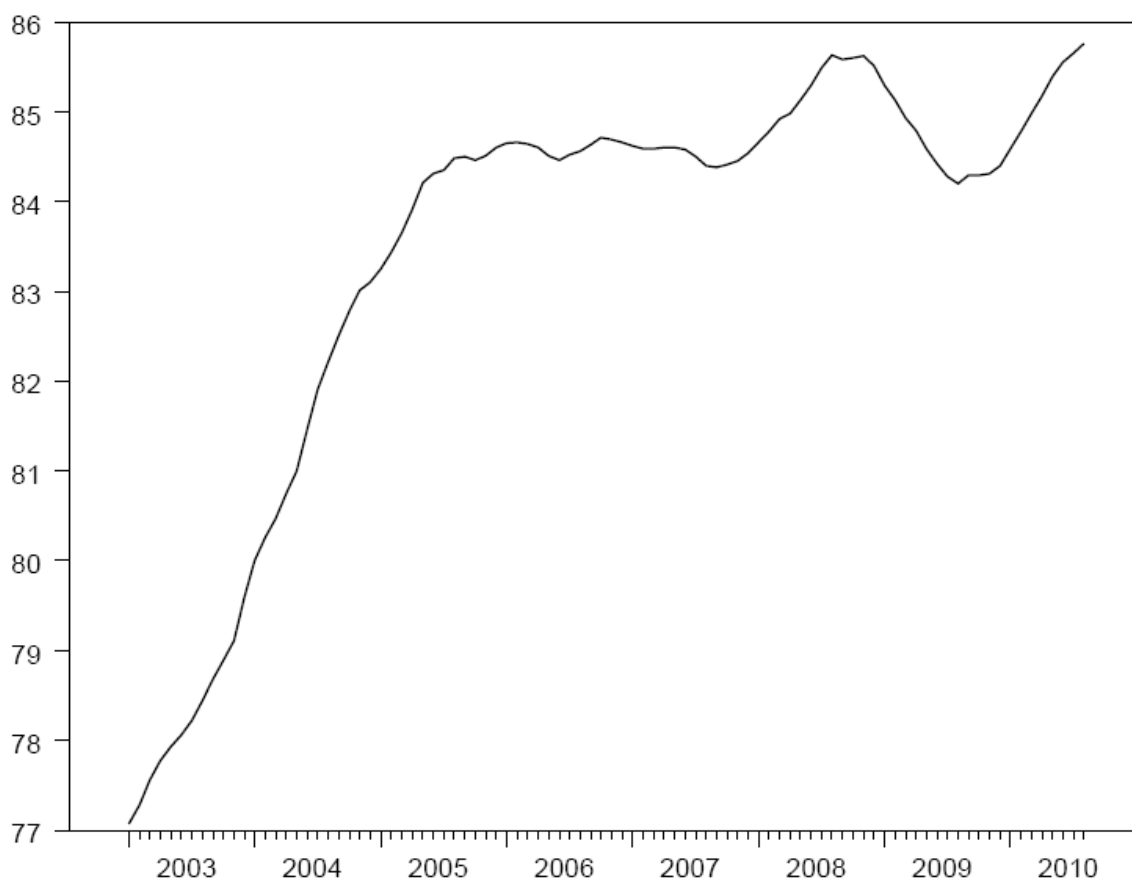
در حقیقت، اگر نگاهی به میانگین متحرک ۱۲ ماهه تولید جهانی نفت خام در جهان داشته

باشیم، متوجه خواهیم شد که در سرتاسر سال ۲۰۰۳ ما شاهد نوسان قابل توجهی در بازار

جهانی نفت نبوده ایم . این موضوع را می توان با نگاهی به نمودار زیر که بر اساس میانگین

متحرک ۱۲ ماهه تولید نفت جهان در دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۳ ترسیم شده است، مشاهده نمود.

نمودار (۲) - تولید روزانه نفت خام جهان از ربع اول سال ۲۰۰۳ تا ربع چهارم سال ۲۰۱۰. (ارقام: میلیون بشکه)



اگر که نیم نگاهی نیز به تحولات قیمت نفت طی دوره مزبور داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که با وجودی که قیمت نفت بین نوامبر ۲۰۰۲ و فوریه ۲۰۰۳ افزایش یافته است، اما کاملاً مشهود است که این افزایش، نسبتاً کم و طول دور ه زمانی حیات آن نیز کوتاه می باشد . در نمودار زیر می توان نوسانات قیمت نفت طی دوره ۲۰۱۰-۱۹۷۳ را به خوبی مشاهده نمود.

### نمودار (۳) - نوسانات قیمت نفت طی دوره ۱۹۷۳-۲۰۱۰



#### - شوک نفتی ۲۰۰۷-۲۰۰۸: رشد تقاضا در کنار عدم رشد بخش عرضه؛

بنا بر گزارشات منتشر شده، رشد اقتصاد جهان در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ به طور متوسط معادل ۴.۷٪ بود که از منظر اقتصادی بسیار قدرتمند و قابل توجه بحساب می آید. در طول این دوره، مصرف جهانی نفت خام ۵ میلیون بشکه افزایش یافت به طوری که این مصرف به طور متوسط سالانه معادل ۳٪ افزایش یافته است. تحلیل های انجام گرفته شده در حوزه بازار نفت و شوک های نفتی نشان می دهد که ایجاد فشار قابل توجه از جانب بخش تقاضا، مهم ترین و کلیدی ترین عامل در جهت افزایش باثبات و مستمر قیمت نفت

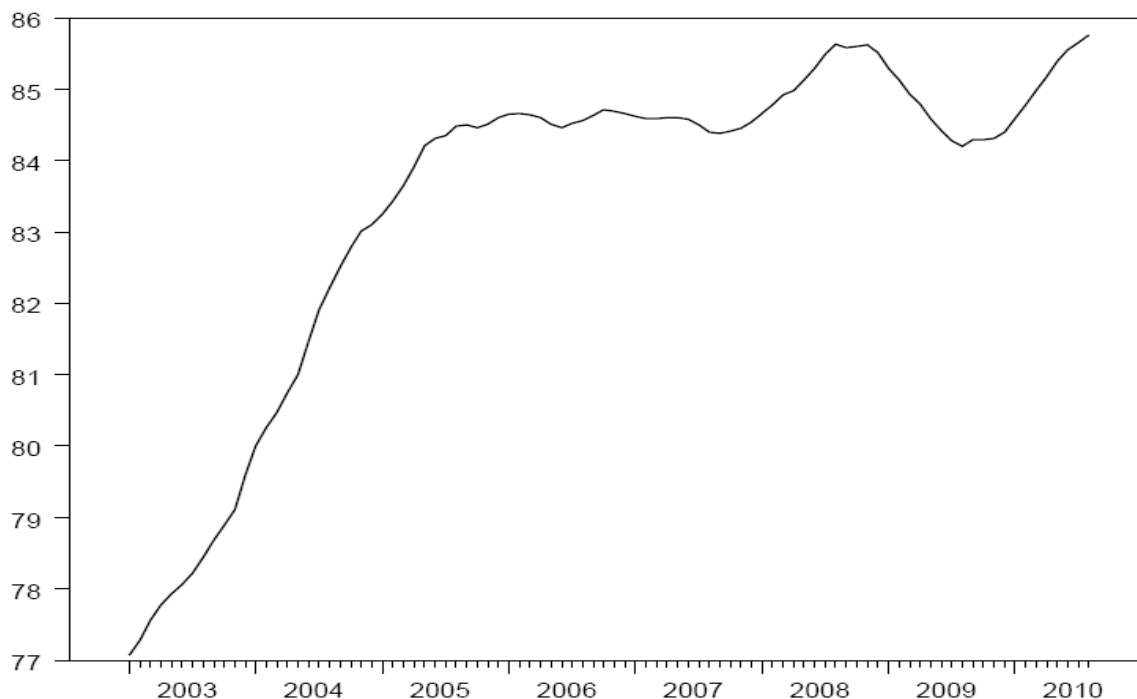
در طول دوره مزبور بشمار می رود. این رشد قیمت ها، با وجود تمام تلاش هایی که در دوره مزبور در جهت ورود ظرفیت ها و ذخایر مازاد به بازار نفت در طول دوره مزبور انجام گرفت، تداوم خود را حفظ نمود.

با این وجود، همانطور که در نمودار زیر مشاهده می شود، از سال ۲۰۰۵ به بعد تولید نفت (بخش عرضه) نتوانست به رشد خود همپای با رشد قابل توجه تقاضا ادامه بدهد. برخلاف دیگر شوک های نفتی که تا کنون مورد بحث قرار گرفته شد، واقعه ژئوپولوتیک قابل توجه و تأثیرگذاری در این دوره عامل افزایش قیمت نفت و در نتیجه ایجاد تنگنا در بخش عرضه و تقاضای نفت نبوده است. هر چند که به نظر نمی رسد که بی ثباتی های مداوم در مناطقی از جمله عراق و نیجریه عامل تأثیرگذاری در این قضیه بوده باشد. در کنار این، عامل نرخ بهره برداری بالا از چاه ها و میادین نفتی به منظور افزایش رشد تولید همپای با رشد تقاضا منجر به کاهش نسبتاً سریع در نرخ بهره برداری از این میادین و

چاههای نفت طی این دوره شده بود. تولید میادین دریای شمال در سال ۲۰۰۱ معادل ۸٪ کل تولید جهان بود اما در پایان سال ۲۰۰۷ این تولیدات بیش از ۲ میلیون بشکه کاهش یافت. میدان نفتی کنترال مکزیکو که تا سال ۲۰۰۵ دومین میدان بزرگ نفتی جهان بشمار می آمد، بین سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ با کاهش تولیدی معادل ۱ میلیون بشکه ای مواجه شد. کشور اندونزی به عنوان یکی از اولین کشورهای عضو سازمان اوپک، در سال ۱۹۹۸

به سقف تولید تاریخی خود رسید و اکنون بیشتر به عنوان یک کشور شناخته شده در

حوزه واردات نفت می باشد و نه به عنوان یک کشور صادرکننده آن.



اما به طور یقین، مهم ترین بازیگر صنعت نفت در جهان، عربستان سعودی می باشد که در سال ۲۰۰۵ معادل ۱۳٪ از تولید جهانی نفت خام را از آن خود نموده بود. این کشور به عنوان مهم ترین بازیگر فعال در بازار جهانی نفت خام، نقش فعالی را در این بازار در دوره ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بازی نموده است. این کشور در اکثر اوقات این دو دهه و در زمانی که بازار به تولید و عرضه نفت خام بیشتری نیازمند بوده است به خوبی توانسته است نیازهای بازار را تا حد قابل قبولی برآورده نماید. تحلیل گران بر این باورند که در دهه اخیر این کشور می توانست نقش فعال خود را در حوزه افزایش رشد عرضه نفت در پاسخگویی به تقاضاهای در حال رشد باری دیگر پررنگ نماید. با این حال، در عوض،

واقعیت‌ها نشان داد که تولید نفت این کشور در سال ۲۰۰۷ نسبت به سال ۲۰۰۵ معادل ۸۵۰ هزار بشکه کمتر شده است.

تفسیرهای زیادی در مورد دلیل چ‌نین کاهشی از جانب عربستان در دوره مزبور وجود دارد. میدان نفتی الغوار این کشور از سال ۱۹۵۱ به بعد و در سالهای اخیر حدود ۶٪ کل تولید نفت خام جهان را از آن خود نموده است. سیمونز (۲۰۰۵) بر این باور است که در این دوره این میدان نفتی به اوج تولید خود رسیده بود. از طرف دیگر، گیتلی (۲۰۰۱) بر این باور است که افزایش تولید نفت در این برهه از منظر اقتصادی در راستای منافع اقتصادی اوپک نبوده و به این دلیل افزایش تولید از جانب عربستان غیر اقتصادی بوده است.

با وجود رشد مداوم تقاضا برای نفت در کنار تداوم رشد قدرتمند تولید ناخالص جهان با سرعت ۵٪ در سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ - که بسیار بیشتر از آنچه انتظار می‌رفت بود - بین سال‌های مزبور مصرف جهانی نفت خام بیش از ۵ میلیون بشکه در روز افزایش یافت. بین سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ کشور چین به تنهایی بیش از ۸۴۰ هزار بشکه در روز تقاضای خود برای نفت خام را افزایش داد. بر این اساس، در کنار عدم افزایش تولید نفت خام، این امر به معنی این بود که کشورها مجبور خواهند بود علی‌رغم افزایش قابل توجه درآمدهای شان، مصرف خود را کاهش دهند. مطابق با مطالعه همیلتون (۲۰۰۹)



کشش کوتاه مدت قیمتی تقاضای نفت هیچ وقت خیلی بالا نبوده و حتی در دهه پیش رو می تواند کوچکتر نیز باشد . این موضوع بدین معنی است که افزایش قابل توجه قیمت نفت لزوماً به معنای جلوگیری از افزایش رشد تقاضا و مصرف آن نخواهد بود . بر اساس مطالعه انجام گرفته شده توسط همیلتون (۲۰۰۹)، تغییر قابل توجه منحنی تقاضای نفت در مواجهه با افزایش محدودیت های بخش عرضه نفت موجب تضمین افزایش قیمت نفت از ۵۵ دلار به ازای هر بشکه در سال ۲۰۰۵ به بیش از ۱۴۲ دلار در سال ۲۰۰۸ شده است.

برخی دیگر از تحلیل گران از جمله تانگ و جیانگ (۲۰۱۰)، کیلیان و مرفی (۲۰۱۰) بر این باورند که منفی شدن نرخ به ره واقعی در اوت ۲۰۰۷ و حرکت جریانها قابل توجه سرمایه های دلاری به سمت بازارهای آتی کالا موجب تقویت هر چه بیشتر عوامل بنیادین بازار نفت شد و موجبات ایجاد حباب سفته بازی قیمت نفت و دیگر کالاها را فراهم نمود. علی رغم اینکه چه عواملی موجب افزایش قیمت نفت طی ای ن دوره شد، این افزایش قابل توجه قیمت نفت بین سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۸ از لحاظ اسمی بزرگترین تجربه قیمتی نفت پس از جنگ جهانی دوم بشمار می آید و در کنار آن، رکود اقتصادی آمریکا در دسامبر سال ۲۰۰۷ نیز یکی از بدترین تجربیات رکودی آمریکا پس از این جنگ بشمار می آید. هر چند که البته بحران های مالی نقش بمراتب بیشتری در مقایسه با تحولات بازار نفت بر ایجاد این رکود اقتصادی داشت.

در بخش های آتی تلاش می شود تا با ارائه تشریحی مختصر و مفید از مطالب مطرح شده تا کنون، تحولات قیمتی در بازارهای کالایی از جمله، فولاد، مس، طلا، ارز، سرب و روی و ... در طول دوره های قبل و بعد از شوک های مهم نفتی از ۱۹۸۰ به بعد مورد ردیابی و تحلیل قرار گیرد.

در جدول (۱) خلاصه ای از مهم ترین شوک های نفتی و اتفاقات رخ داده شده در بازار نفت از پس از جنگ جهانی دوم تا کنون ن مایش داده شده است. ستون اول این ج دول (از سمت چپ) نشان دهنده دوره هایی است که همزمان با شوک نفتی و افزایش قیمت نفت، جیره بندی بنزین نیز اتفاق افتاده است. این اتفاق همانطور که در جدول مشاهده می شود، تا سال ۱۹۸۰ و حداقل در ۵ مورد از ۷ مورد شوک نفتی اتفاق افتاده ولی از سال ۱۹۸۰ به بعد در هیچ یک از دوره های افزایش قیمت نفت چنین موضوعی مشاهده نشده است.

در ستون دوم، درصد افزایش قیمت نفت در طول هر یک از دوره های شوک نفتی مورد اشاره، نشان داده شده است. همانطور که ملاحظه می گردد، بیشترین رشد قیمت مربوط به شوک نفتی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ می باشد که از فوریه ۲۰۰۷ تا ژانویه ۲۰۰۸، قیمت اسمی نفت در بازارهای جهانی بیش از ۱۴۵٪ افزایش یافته است که از منظر درصد افزایش، بزرگترین شوک نفتی پس از جنگ جهانی دوم بحساب می آید. پس از این شوک، شوک های نفتی دوره ۱۹۹۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۷۳ به ترتیب با ۹۳٪، ۵۷٪ و ۵۱٪ افزایش قیمت در رتبه های دوم تا چهارم قرار دارند.

ستون سوم این جدول نشان دهنده بکارگیری یا عدم بکارگیر سیاست های کنترل قیمتی در طول هر یک از دوره های مزبور می باشد . دلیل اضافه کردن این ستون به جدول ۱ این است که کنترل های قیمتی یکی از پاسخ های اصلی این سوال است که چرا جیره بندی های انجام شده در طول دوره های افزایش قیمت (همانند آنچه در ستون اول این جدول مشاهده می گردد) اتفاق افتاده است. همانطور که ملاحظه می گردد به جز دوره ۱۹۴۸، در تمامی دوره هایی که سیاست جیره بندی بنزین در اثر کمبود آن اعمال شده، کنترل قیمت ها نیز در دستور کار دولتمردان قرار گرفته شده است.

### جدول ۱- خلاصه ای از شوک های نفتی مهم بعد از جنگ جهانی دوم

نقطه اوج سیکل تجاری	مهم ترین عوامل	کنترل های قیمتی	میزان افزایش قیمت	کمبود بنزین و جیره بندی آن
نوامبر ۱۹۴۸	تقاضای قوی، تنگنای بخش عرضه	خیر	از نوامبر ۱۹۴۷ تا ژانویه ۱۹۴۸ معادل ۳۷٪	از نوامبر ۴۷ تا دسامبر ۴۷
ژوئیه ۱۹۵۳	اعتصاب، برداشتن کنترل ها	بله	ژانویه ۱۹۵۳ معادل ۱۰٪	مه ۱۹۵۲
اوت ۱۹۵۷	بحران کانال سوئز	بله (اروپا)	از ژانویه ۱۹۵۷ تا فوریه ۱۹۵۷ معادل ۹٪	نوامبر ۵۶ تا دسامبر ۵۶
آوریل ۱۹۶۰	---	خیر	----	----
دسامبر ۱۹۶۹	اعتصاب، تقاضای قوی، تنگنای عرضه	خیر	فوریه ۱۹۶۹ معادل ۷٪ و نوامبر ۱۹۷۰ معادل ۸٪	----
نوامبر ۱۹۷۳	تقاضای قوی، تنگنای عرضه، توقیف کشتی های نفتی	بله	از آوریل ۱۹۷۳ تا سپتامبر همان سال معادل ۱۶٪ و از نوامبر ۷۳ تا فوریه ۷۴ معادل ۵۱٪	ژانویه ۷۳ و از دسامبر ۷۳ تا مارس ۷۴
ژانویه ۱۹۸۰	انقلاب ایران	بله	از مه ۱۹۷۹ تا ژانویه ۸۰ معادل	مه ۷۹ تا ژوئیه ۷۹

	٪۵۷			
-----	از نوامبر ۸۰ تا فوریه ۸۱ معادل ٪۴۵	بله	جنگ ایران و عراق، حذف کنترل های قیمتی	ژوئیه ۱۹۸۱
-----	از اوت ۹۰ تا اکتبر ۹۰ معادل ٪۹۳	خیر	جنگ اول خلیج فارس	ژوئیه ۱۹۹۰
	از دسامبر ۹۹ تا نوامبر ۲۰۰۰ معادل ٪۳۸	خیر	تقاضای قدرتمند	مارس ۲۰۰۱
	از نوامبر ۲۰۰۲ تا مارس ۲۰۰۳ معادل ٪۲۸	خیر	ناآرامی های ونزوئلا، جنگ دوم خلیج فارس	-----
	از فوریه ۲۰۰۷ تا ژانویه ۲۰۰۸ معادل ٪۱۴۵	خیر	تقاضای قوی، عدم رشد بخش عرضه	دسامبر ۲۰۰۷

کنترل های قیمتی گاهی اوقات عاملی مهم در جهت ایجاد رخدادهای دیگری در بازارها شده است. این کنترل های قیمتی می توانست عاملی در جهت جلوگیری از واکنش سریع بازارها نسبت به چالش های ایجاد شده باشد و از طرفی دیگر، یکی از عوامل کسری تولید و عرضه و عدم تخصیص بهینه تولیدات در بازار بحساب می آید . بعلاوه اینکه، کنارگرفتن کنترل های قیمتی اغلب خود تبیینی برای پرش های گسسته در قیمت هامی باشد. چنین وضعیتی درست در ژوئن ۱۹۵۳ و فوریه ۱۹۸۱ مشاهده می شود. در عوض، کناره گیری تدریجی از سیاست سقف قیمت و کنترل های قیمتی دلیل افزایش تدریجی قیمت ها در طول برخی از دوره های افزایش قیمت نفت می باشد. مثال دقیق این وضعیت را می توان در ژانویه ۱۹۷۹ همزمان با تبعید شاه ایران مشاهده کرد.

ستون چهارم این جدول، چکیده ای از مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر ایجاد شوک قیمتی در هر یک از دوره های مد نظر می باشد. همانطور که در هر یک از خانه های ستون چهارم مشاهده می شود، یکی از دلایلی که در اکثر شوک های نفتی مورد بررسی، حضوری چشمگیر دارد، افزایش تنش های ژئوپولوتیک و همچنین اعتصابات و انقلاب های مردمی در منطقه خاورمیانه می باشد. البته، همانطور که در بخش های اول این نوشتار نیز اشاره شد، با توجه به اینکه تا حدود سال ۱۹۶۹، کمیسیون راه آهن تگزاس تا حد خیلی زیادی در بازار نفت نقش مسلط را از آن خود نموده بود، قاعدتاً سیاست های این کمیسیون در زمینه صدور مجوز برداشت و حفاری و مواردی از این قبیل به مراتب تأثیرات زیادی در پرش های مقطعی قیمت نفت داشته است ولی از سال ۱۹۶۹ به بعد همراه با تضعیف جایگاه این کمیسیون و ظهور قدرتهای جدیدی چون اوپک در بازار نفت، عوامل جدیدی از جمله عوامل ژئوپولوتیک مناطقی که نفت خیز جهان از جمله خاورمیانه نقش بسیار زیادی در تحولات بازار نفت و نوسانات قیمتی آن بازی نموده است. همانطور که ملاحظه می گردد، از سال ۱۹۶۹ در ۵ شوک از ۷ شوک نفتی مورد بررسی طی دوره ۱۹۶۹-۲۰۰۸، عوامل سیاسی و ژئوپولوتیک در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس جزء عوامل اصلی نوسانات قیمت نفت بوده اند.

در جدول زیر، وضعیت نرخ رشد تولید ناخالص جهان در بدترین شرایط شوک های نفتی از سال ۱۹۷۳ به بعد نشان داده شده است.

**جدول ۲- رشد تولید ناخالص واقعی (نرخ سالانه) جهان در ۵ دوره تاریخی شوک های نفتی از ۱۹۷۴ به بعد**

دوره	نرخ رشد تولید ناخالص
ربع اول ۱۹۷۴ تا ربع اول ۱۹۷۵	-۲.۵٪
ربع دوم ۱۹۷۹ تا ربع دوم ۱۹۸۰	-۰.۴٪
ربع دوم ۱۹۸۱ تا ربع دوم ۱۹۸۲	-۱.۵٪
ربع سوم ۱۹۹۰ تا ربع سوم ۱۹۹۱	-۰.۱٪
ربع چهارم ۲۰۰۷ تا ربع چهارم ۲۰۰۸	-۰.۷٪

این جدول به منظور شناخت هر چه بیشتر ساختار شوکهای نفتی و همچنین تفکیک شوک های طرف عرضه نفت از شوک های طرف تقاضای نفت و اثرات هر یک تنظیم شده است. در حال حاضر بحثهای گسترده ای پیرامون میزان نقش نوسانات تقاضا (واقعی و سفته بازی) و نوسانات بخش عرضه نفت در ایجاد شوک های قیمتی نفت وجود دارد. برخی از تحلیل گران بر این باورند که اختلالات و نوسانات در بخش تقاضای نفت در برخی از شوک های نفتی از قبیل شوک اواخر دهه ۱۹۷۰ نقش بمراتب بزرگتری نسبت به تحولات بخش عرضه نفت داشته و بر این اساس نقش بسیار زیادی برای تقاضاهای سوداگرانه نفت از جانب سرمایه گذاران قائل می باشند.

همانطور که در بخش های پیشین اشاره شد، شوک های نفتی مورد بررسی ما اغلب رکود اقتصادی آمریکا را بدنبال خود داشته اند. در ستون آخر جدول ۱ همانطور که مشاهده می

شود، تاریخ مورد اشاره نشان دهنده نقطه اوج سیکل تجاری و شروع دوره رکود اقتصادی در آمریکا می باشد. هم ۱۱ رکود اقتصادی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم (به جز یک مورد) بدنبال افزایش در قیمت نفت ایجاد شده است و تنها استثناء موجود در این زمینه، رکود اقتصادی سال ۱۹۶۰ می باشد. از طرف دیگر، همه ۱۲ شوک نفتی مورد اشاره در جدول ۱ به جز یک مورد، همراه با ایجاد رکود اقتصادی در آمریکا بوده اند و تنها استثنا در این حوزه به افزایش قیمت نفت در سال ۲۰۰۳ بدنبال شروع ناآرامی ها در ونزوئلا و جنگ دوم خلیج فارس می باشد.

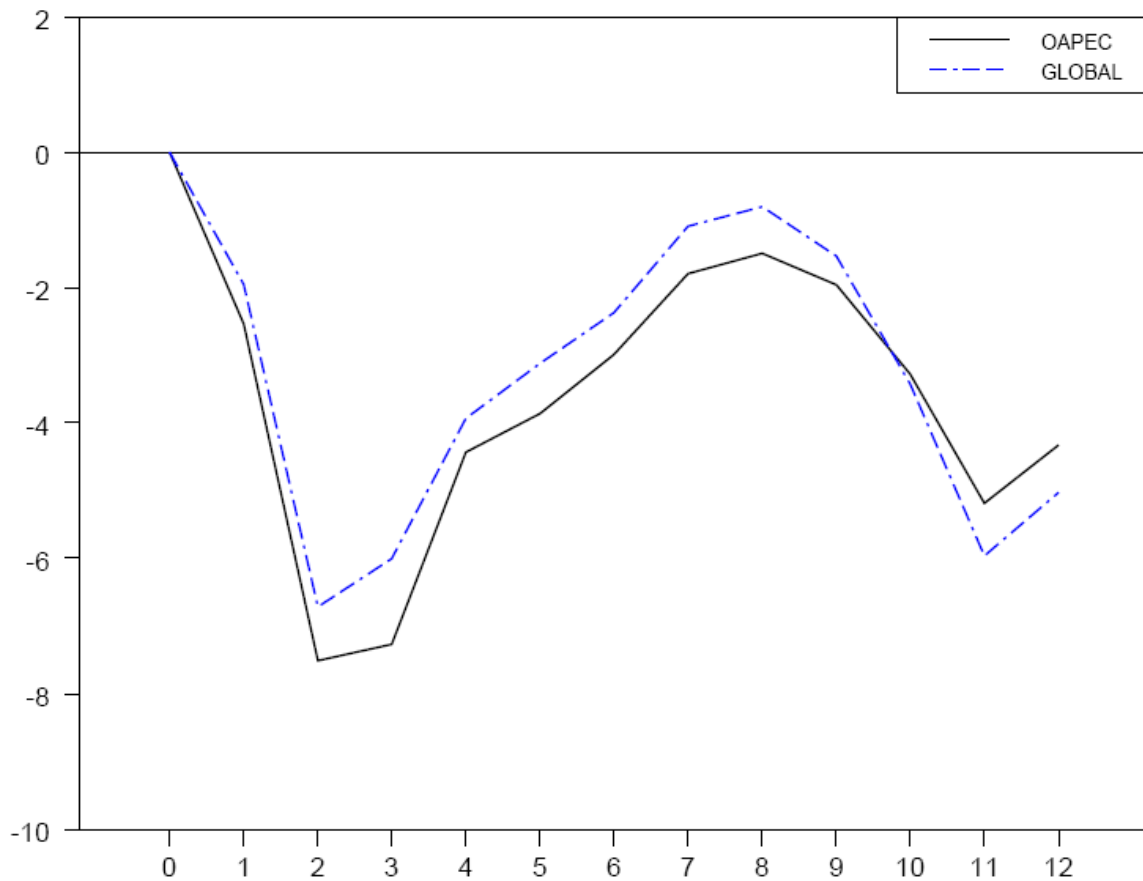
با در کنار هم قرار دادن این دو موضوع، ظاهر امر حکایت از وجود همبستگی قوی بین شوک های نفتی و رکود اقتصادی دارد. و اگر چه به نظر می رسد فشارهای طرف تقاضای مرتبط با آخرین مراحل یک سیکل تجاری رونق (حوالی نقطه اوج سیکل) عاملی تأثیرگذار در تعدادی از شوک های نفتی بوده باشد، اما از منظر تحلیل آماری این موضوع در مورد تغییرات قیمت نفت تا قبل از ۱۹۷۳ و تغییرات اقتصاد آمریکا تا قبل از ۱۹۷۳ تأیید نمی شود (همیلتون ۱۹۸۳). در کنار این موضوع، اختلالات بخش عرضه نفت ناشی از تحولات ژئوپولوتیک از عوامل مهم و قابل توجه تعدادی از مهم ترین شوک های نفتی بشمار می آیند. بطوری که در وقایعی از قبیل بحران کانال سوئز و جنگ اول خلیج فارس و در نتیجه بحران در بخش عرضه نفت، دینامیک سیکل تجاری اقتصاد آمریکا با این اتفاق

همراه نبوده و لذا ممکن است ارتباط بین این وقایع و در نتیجه رکود اقتصادی در آمریکا به صورت علی و سببی در نظر گرفته شود. بر این اساس نمی توان چنین ادعایی داشت که افزایش های دوره ای قیمت نفت به خودی خود تنها عامل منحصر بفرد بیشتر رکودهای اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم در آمریکا بشمار می آید. در عوض می توان چنین نتیجه گیری نمود که شوک های نفتی یکی از عوامل تأثیر گذار در حداقل برخی از رکودهای اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم بوده اند.

این موضوع که افزایش قیمت نفت می تواند تا حدی بر اقتصاد کشورهای وارد کننده نفت تأثیرات منفی برجای بگذارد جای هیچ گونه بحث و مناقشه ای ندارد. از منظر طرف عرضه، انرژی یکی از عوامل اصلی تولید بحساب می آید و هر گونه کاهش در عرضه آن می تواند منجر به کاهش در بهره وری تولید شود. با این وجود، استدلال نئوکلاسیک ها بر این است که اندازه چنین اثراتی تا حدی زیادی کوچک می باشد. اگر که ارزش دلاری میزان کاهش در عرضه انرژی کمتر از ارزش دلاری میزان کاهش در تولید باشد، این موضوع موجب خواهد شد که شرکت ها برای حفظ سطح تولیدات خود مایل به پرداخت قیمت های بالا برای انرژی باشند و لذا در شرایط رکود اقتصادی، ارزش دلاری انرژی از دست رفته در مقایسه با ارزش دلاری میزان تولید کاهش یافته، کمتر می باشد. برای مثال، همانطور که در نمودار زیر نشان داده شده است، میزان کاهش در تولیدات جهانی



بدنبال جنگ اعراب و اسرائیل و توقیف کشتی های نفتی در خلیج فارس، طی ۶ ماهه از سپتامبر ۱۹۷۳ به بعد، عرضه جهانی نفت به طور متوسط معادل ۲.۳ میلیون بشکه در روز کاهش یافت که با فرض قیمت متوسط ۱۲ دلاری هر بشکه نفت خام در آن دوره، ارزش کل بازار جهانی نفت در طول دوره ۶ ماهه مزبور کاهش ۵.۱ میلیارد دلاری را تجربه نمود. در مقام مقایسه، رشد تولید ناخالص آمریکا بین ربع اول سال ۱۹۷۴ و ربع اول ۱۹۷۵ معادل ۲.۵ درصد کاهش یافت که این موضوع حاکی از کاهش حدوداً ۳۸ میلیارد دلاری حجم تولیدات ناخالص آمریکا طی دوره مزبور می باشد. شایان ذکر است که کل ارزش بازار نفت در دوره مزبور همانطور که اشاره شد ۵.۱ میلیارد دلار کاهش یافت و این در حالیست که در طول همین دوره، اقتصاد آمریکا به تنهایی معادل ۳۸ میلیارد دلار منقبض شد. لذا بررسی نمونه های مشابه در تمامی دوره های رکود و شوک نفتی در جهان پس از جنگ جهانی دوم نشان می دهد که ارزش دلاری کل کاهش تولید در شرایط رکود اقتصادی به مراتب بیشتر از کل کاهش در ارزش دلاری بازار جهانی نفت می باشد.



علاوه بر تحولات بخش عرضه نفت، تکانه های نفتی می تواند اقتصاد را از طریق تحولات بخش تقاضا نیز تحت تأثیر قرار دهد. همانطور که می دانید، کشش کوتاه مدت تقاضای نفت بسیار کوچک می باشد. اگر مصرف کنندگان در مواجهه با قیمت های در حال افزایش انرژی، در تلاش برای حفظ مخارج واقعی خود بر روی انرژی باشند، پس اندازه ها و مخارج آنها بر روی دیگر کالاها به تناسب آن می بایستی کاهش یابد. اگرچه اثرات منفی افزایش قیمت انرژی تا حدی از طریق افزایش سود تولیدکنندگان داخلی نفت جبران خواهد شد اما میل نهایی به هزینه کرد سودهای بادآورده شرکت های نفتی در شرایط افزایش قیمت نفت ممکن است کاهش یابد. لذا نتیجه ای که از این بحث می توان

گرفت اینست که در دوره های افزایش قیمت انرژی و در نتیجه وقوع تکانه های نفتی،

بدون شک مصرف کنندگان بدنبال کاهش مخارج خود بر روی انرژی و همچنین دیگر

کالاها موجود در سبد مصرفی خواهند بود . برای مثال، بین سپتامبر ۱۹۷۳ و ژوئیه

۱۹۷۴، خرید کالاها و خدمات حوزه انرژی توسط مصرف کنندگان آمریکایی ۱۴.۴

میلیارد دلار کاهش یافت و در عین حال، میزان کاهش در تولیدات این کشور بیش از دو

برابر این مقدار بوده است.

اما اینکه شوک های نفتی و افزایش قیمت انرژی بر مصرف کنندگان یک کشور و در

نتیجه بخش تقاضای اقتصاد چه تأثیری برجای می گذارد، بنا به نظر همیلتون (۱۹۸۸)، به

ترکیب و وضعیت اجزاء تشکیل دهنده مخارج مصرفی مصرف کنندگان در هر کشور

بستگی دارد. برای مثال، یکی از واکنش های کلیدی که بدنبال افزایش قیمت های نفت

مشاهده می شود، کاهش در مخارج مربوط به خرید و یا استفاده از اتومبیل و خودرو،

بخصوص خودروهای پرمصرف و حجیم، می باشد. اولین تأثیر این موضوع می تواند

کاهش تقاضا برای استفاده و خرید اتومبیل از جانب مصرف کنندگان باشد و هر چقدر

سهم این جزء در سبد مصرفی مصرف کنندگان بزرگتر باشد، اثرات افزایش قیمت

نفت (اثرات غیر مستقیم) بر بخش تقاضای اقتصاد و در نهایت تولید ناخالص داخلی نیز

بیشتر خواهد بود. در کنار این، به دلیل وضعیت بسیار مشکل انتقال نیروی متخصص و

سرمایه های موجود در صنعت خودروسازی به بخش های دیگر، نتیجه این موضوع همچنین می تواند منجر به کاهش درآمد بخشی از کارگران درگیر در صنایع خودروسازی و صنایع پستین و پیشین آن شود که این خود عاملی دیگر در جهت انقباض تولید ناخالص داخلی خواهد بود.. جدول زیر که توسط همیلتون (۲۰۰۹) گردآوری و محاسبه شده است، وضعیت تولید ناخالص داخلی واقعی آمریکا را در ۵ ربع سال و در ۵ مقطع تاریخی از شوک های نفتی نشان می دهد . همانطور که مشاهده می شود، در ستون مجزایی، سهم صنعت خودروسازی در کاهش رشد اقتصادی و تولید ناخالص داخلی آمریکا در طول هر یک از دوره های شوک نفتی نشان داده شده است . همانطور که ملاحظه می گردد، بدنبال افزایش قیمت نفت در هر یک از ۵ دوره شوک نفتی مورد اشاره و بخصوص دو دوره ۱۹۷۹ و ۱۹۹۰، همراه با کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، صنعت خودروسازی نیز با کاهش رشد مواجه شده و این رشد منفی صنعت خودروسازی در دوره ۱۹۷۹ و ۱۹۹۰ حتی با وجود رشد منفی نه چندان زیاد تولید ناخالص داخلی واقعی آمریکا، بیش از دو برابر میزان کاهش در **GDP** واقعی بوده است . این موضوع نشان از اهمیت قابل توجه واکنش مصرف کنندگان به افزایش سریع در قیمت های انرژی دارد . همانطور که اشاره شد، ترکیب این تغییرات در مخارج مصرف کنندگان با اثرات ضریب فزاینده کینزی می تواند

تفسیری علمی و قابل قبول تر برای این سوال باشد که چرا شوک های نفتی اغلب رکود اقتصادی را به دنبال داشته اند.

جدول ۱- رشد تولید ناخالص داخلی واقعی (نرخ سالانه) و سهم صنعت خودروسازی از کل نرخ رشد سالانه GDP آمریکا در طول ۵ دوره از شوک های نفتی

دوره	نرخ رشد تولید ناخالص	سهم صنعت خودروسازی
ربع اول ۱۹۷۴ تا ربع اول ۱۹۷۵	-۲.۵٪	-۰.۵٪
ربع دوم ۱۹۷۹ تا ربع دوم ۱۹۸۰	-۰.۴٪	-۰.۸٪
ربع دوم ۱۹۸۱ تا ربع دوم ۱۹۸۲	-۱.۵٪	-۰.۲٪
ربع سوم ۱۹۹۰ تا ربع سوم ۱۹۹۱	-۰.۱٪	-۰.۳٪
ربع چهارم ۲۰۰۷ تا ربع چهارم ۲۰۰۸	-۰.۷٪	-۰.۷٪

در کنار اختلالات ناشی از افزایش تنش های ژئوپولوتیک در بخش عرضه نفت، یکی دیگر از عوامل تأثیر گذار در تعدادی از شوک های نفتی مورد بررسی، رابطه متقابل بین تقاضای در حال رشد برای فرآورده های نفتی با کاهش در بخش تولیدات این فرآورده ها که ناشی از به ظرفیت کامل رسیدن میادین مهم و تأثیرگذار نفتی در جهان است، می باشد. در تمامی تجربه های شوک نفتی پس از جنگ جهانی دوم و بخصوص در شوک های نفتی ۱۹۷۳ و ۲۰۰۸، این موضوع به بخش لاینفکی از داستان شوک های نفتی مبدل شده و هنوز هم پاسخی درخور برای این سوال که آیا تولیدات و میادین نفتی جدیدی برای جایگزین شدن با میادین قدیمی نفت از جمله میادین نفتی دریای شمال و عربستان

صعودی وجود دارد یا نه، پیدا نشده است . پاسخ به این سوال، بخصوص برای دوره

کنونی که تولید نفت به دلیل افزایش قیمت آن در حال رسیدن به نقطه اوج خود می

باشد، از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد.

در حال حاضر با توجه به ایجاد تنش های ژئوپولوتیک در منطقه خاورمیانه و انتظار از

افزایش قابل توجه تقاضا برای نفت از جانب اقتصادهای نوظهور، کاملاً منطقی به نظر می

رسد که انتظار داشته باشیم طی سالهای آتی به منظور تحلیل نتایج شوک نفتی کنونی لازم

باشد ستون ها و ردیف های دیگری به جدول بالا اضافه نمایم.